

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 968 968-113 Date of filing: 7,7,1995

** AWARD - Type of Award Award
- Date of Award 7 July 1995
/ pages in English 51 pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

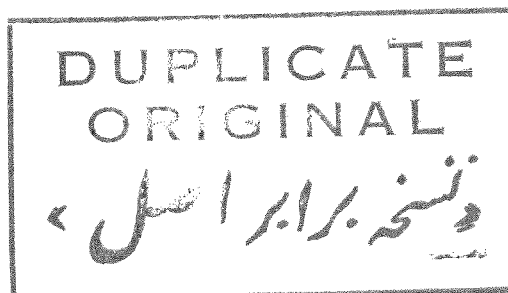
** OTHER; Nature of document: _____

- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

پرونده شماره ۹۶۸

شعبه دو

حکم شماره ۵۶۵-۹۶۸-۲



فریدون غفاری ،

خواهان ،

- ۹ -

جمهوری اسلامی ایران ،

خوانده .

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دیوان داری دعوی ایران - ایالات متحدہ
FILED	ثبت شد
DATE	7 JUL 1995
	۱۳۲۴ / ۴ / ۱۶ تاریخ

 حکم

حاضران :

از طرف خواهان:

آقای مارک گلادفلتر،

وکیل خواهان،

آقای فریدون غفاری،

خواهان،

خانم الیزابت غفاری،

خانم سینتیا والتر،

آقای هارولد برنهام،

افراد حاضر به نفع خواهان،

آقای مجید زرین کلک،
شاهد کارشناس،

از طرف خوانده:

آقای علی حیرانی نوبری،

نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران،

آقای دکتر جعفر نیاکی،

آقای سیف‌الله محمدی،

مشاورین حقوقی نماینده رابط،

آقای اسماعیل بخشی دزفولی،

وکیل خوانده،

آقای حسین فتحی،

آقای نصرالله ناجی،

نمایندگان خوانده،

آقای بهروز وقتی،

شاهد کارشناس،

سایر حاضران:

آقای دی. استیفن متایس،

نماینده رابط دولت ایالات متحده آمریکا،

خانم مری کترین میلین،

قائم‌مقام نماینده رابط دولت ایالات متحده آمریکا.

اول - پیشگفتار

۱ - خواهان، فریدون غفاری، که تابعیت دو کشور ایران و ایالات متحده را دارد، یک مهندس شهرسازی است. وی به عنوان تبعه ایالات متحده ادعایی علیه جمهوری اسلامی ایران ("خوانده") بابت ارزش ۸/۶ درصد علائق مالکانه‌اش در یک موسسه معماری و مهندسی ایرانی بنام مؤسسه عبدالعزیز فرمانفرمائیان و شرکا ("آفا") طرح کرده است که حسب اظهار خواهان، در تاریخ ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹] که یک نفر مدیر موقت منصوب توسط سازمان برنامه و بودجه دولت ایران مدیریت آفا را به دست گرفت بوسیله دولت جمهوری اسلامی ایران صادره شد. خواهان در آخرین لایحه خود، مبلغ ۲،۹۸۴،۷۲۶/۰ دلار آمریکا غرامت بابت ارزش سهم‌الشرکه خود در آفا مطالبه می‌نماید و علاوه بر آن خواستار بهره و هزینه‌های داوری است.

۲ - دعوی حاضر در ماهیت نه‌ایتاً با دعوی مطروح در پرونده شماره ۹۶۷، هارولد برنهام و جمهوری اسلامی ایران یکی می‌باشد که دیوان با صدور حکم شماره ۵۴۹-۹۶۷-۲ مورخ ۱۵ تیرماه ۱۳۷۲ [ششم ژوئیه ۱۹۹۳] خود (که از این بعد "برنهام" نامیده می‌شود) راجع به آن تصمیم گرفت. خواهان پرونده مزبور، هارولد برنهام، مهندسی است که مانند خواهان پرونده حاضر در آفا شریک بود و عیناً بابت صادره ۸/۶ درصد علائق مالکانه‌اش در موسسه آفا توسط دولت جمهوری اسلامی مطالبه غرامت کرده بود. در پرونده برنهام، دیوان نظر داد که "خوانده در ژوئیه ۱۹۷۹ کنترل آفا را از طریق انتصاب مدیر موقت و به موجب لایحه قانونی (۱) مورخ ۲۶ خردادماه ۱۳۵۸ [۱۶ ژوئن ۱۹۷۹] عملاً به دست گرفت و خواهان را از علائق

۱ - "لایحه قانونی مربوط به تعیین مدیر یا مدیران موقت برای سرپرستی واحدهای تولیدی و صنعتی و تجاری و کشاورزی و خدماتی اعم از بخش عمومی و خصوصی" مصوب ۲۶ خردادماه ۱۳۵۸ [۱۶ ژوئن ۱۹۷۹].

مالکانه‌اش در آن مؤسسه محروم نمود." بند ۳۱ حکم مذکور در بالا. دیوان تاریخ ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹] را که تاریخ شروع تصدی وظایف مدیر دولتی در آفا بود، تاریخ این محرومیت محسوب نمود.

۳ - خوانده مصادره شدن آفا و همچنین صلاحیت دیوان را نسبت به این دعوی انکار و استدلال می‌نماید که خواهان به علت تخلف از پاره‌ای از مقررات قانون مهاجرت و تابعیت ایالات متحده، تابعیت آمریکایی خود را به نحو معتبری تحصیل نکرده، و بعداً" نیز خواستار شناسایی تابعیت آمریکایی خود طبق قوانین ایران نشده و بنابراین وی تبعه ایران است و بدین لحاظ واجد شرایط برای طرح دعوی نزد این دیوان نیست. خوانده استدلال می‌کند که ولو آنکه خواهان تبعه هر دو کشور ایران و ایالات متحده شناخته شود، باز هم تابعیت غالب و موثر او تابعیت ایران است و بنابراین ادعا خارج از حیطه صلاحیت دیوان واقع می‌شود. خوانده همچنین اضافه می‌کند که در هر صورت حتی اگر دعوی در حیطه صلاحیت دیوان قرار گیرد، اخطار مندرج در رأی پرونده الف - ۱۸ مانع رسیدگی بدان خواهد شد.

۴ - در جلسه استماع پرونده حاضر که در تاریخهای ۲۲ و ۲۳ شهریورماه ۱۳۷۳ [۱۳ و ۱۴ سپتامبر ۱۹۹۴] برگزار گردید، طرفین از دیوان درخواست کردند که برخی از نتیجه‌گیریهای خود در رأی پرونده برنیام را اصلاح کند.

دوم - صلاحیت

الف - تابعیت خواهان

۵ - هیئت عمومی دیوان طی تصمیم شماره ۱۸-الف-۳۲ مورخ ۱۷ فروردین‌ماه ۱۳۶۳ [ششم آوریل ۱۹۸۴] خود در پرونده جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده

آمریکا (از این ببعده "الف ۱۸") که در 5 Iran-U.S. C.T.R. 251 به چاپ رسیده، مقرر داشت که صلاحیت رسیدگی به دعاوی مطروح علیه ایران توسط دارندگان تابعیت مضاعف ایران و ایالات متحده را تنها در مواردی دارد که "تابعیت غالب و موثر خواهان طی دوره ذیربطه، یعنی از تاریخ ایجاد ادعا تا ۲۹ دیمه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱]، تابعیت ایالات متحده بوده است." صفحه ۱۹ راعی پرونده الف ۱۸، 5 Iran-U.S. C.T.R. at 265. بنابراین، دیوان طبق تصمیم خود در پرونده الف ۱۸ ابتدا باید تعیین نماید که آیا فریدون غفاری در دوره ذیربطه هر دو کشور ایران و ایالات متحده بوده است یا خیر، و اگر دیوان نتیجه بگیرد که واقعا چنین بوده، در مرحله بعد باید تابعیت غالب و موثر [خواهان] در دوره ذیربطه، یعنی تابعیتی را تعیین نماید که نتیجتاً از لحاظ صلاحیتی در جریان رسیدگی حاضر غلبه خواهد داشت.

۶ - خواهان در تاریخ ششم آذرماه ۱۳۰۷ [۲۷ نوامبر ۱۹۲۸] در شهر انزلی (بندر پهلوی سابق) در ایران، متولد شد. تحصیلات ابتدایی و دبیرستانی خود را در تهران - ایران به پایان رسانید و در ماه ژوئن ۱۹۴۷ از دبیرستان البرز دیپلم گرفت. وی در سپتامبر سال ۱۹۴۷ در سن ۱۸ سالگی برای تحصیلات دانشگاهی به ایالات متحده رفت و در پاسادینا کالج و دانشگاه کالیفرنیا در لوس آنجلس و آزرالامر در دانشکده معماری دانشگاه کالیفرنیا جنوبی تحصیل کرد و در سال ۱۹۵۵ به اخذ درجه لیسانس معماری از دانشگاه اخیر نایل گردید.

۷ - برادر خواهان قبل از عزیمت خواهان از ایران، به ایالات متحده نقل مکان کرده بود و پس از آنکه خواهان در آمریکا ساکن شد والدینش به آن کشور مهاجرت کردند و هر دوی آنان بعداً مقیم دائمی شدند و خواهان با آنان و برادرش در لوس آنجلس زندگی می‌کرد. خواهر و یک برادر دیگر خواهان در ایران ماندند.

۸ - خواهان پس از فراغت از تحصیل، به کارآموزی حرفه‌ای در یک شرکت نقشه‌کشی، معماری و مهندسی آمریکایی موسوم به ویکتور گروئن اسوشی‌ایتس، (که بعداً به گروئن اسوشی‌ایتس تغییر نام یافت) مشغول گردید و در سال ۱۹۵۷ در بخش نقشه‌کشی شرکت مذکور استخدام شد و در همان سال با بانویی به نام دارلین پیترسن، که به سبب تولد آمریکایی بود، ازدواج کرد. آقای غفاری و همسرش صاحب دو فرزند به نام سینتیا و هانس شدند که به ترتیب در سالهای ۱۹۵۸ و ۱۹۶۳ تولد یافتند. در ماه مارس ۱۹۵۸ خواهان اجازه اقامت دائم و در تاریخ هشتم بهمن‌ماه ۱۳۴۴ [۲۸ ژانویه ۱۹۶۶] در دادگاه بدوی فدرال حوزه جنوب کالیفرنیا تابعیت ایالات متحده را تحصیل نمود.

۹ - خواهان که از هنگام ترک ایران در سال ۱۹۴۷ به آن کشور بازنگشته بود، در سال ۱۹۶۵ قبل از کسب تابعیت آمریکا چندین مرتبه در ارتباط با کار خود به ایران مسافرت کرد. متعاقباً دولت ایران کارفرمای خواهان، یعنی گروئن اسوشی‌ایتس را انتخاب کرد تا با مشارکت با مؤسسه معماری ایرانی عبدالعزیز فرمانفرمائیان و شرکا ("آفا") طرحی برای شهر تهران تهیه نماید. آنگاه گروئن اسوشی‌ایتس از خواهان درخواست کرد که به عنوان نماینده شرکت در امور پروژه مزبور، مأموریت در ایران را قبول نماید و خواهان نیز این مأموریت را پذیرفت.

۱۰ - در فوریه سال ۱۹۶۶ خواهان به تهران رفت و چندی بعد، یعنی در ماه ژوئن همان سال خانواده وی به او ملحق گردید. در فاصله سالهای ۱۹۶۶ و ۱۹۶۹ خواهان چندین بار تنها یا به اتفاق خانواده به ایالات متحده سفر کرد. در سال ۱۹۶۸ همسر خواهان و پسرش و بعد دخترش به ایالات متحده بازگشتند. مأموریت خواهان در اکتبر ۱۹۶۹ پایان یافت و وی نیز به ایالات متحده مراجعت کرد. پس از مراجعت به آمریکا، خواهان در سال ۱۹۷۰ به معاونت گروئن اسوشی‌ایتس نایل شد.

۱۱ - در سال ۱۹۷۱، خواهان و همسرش در لوس آنجلس طلاق گرفتند. در ماه ژوئیه سال ۱۹۷۵ خواهان با خانمی به نام الیزابت پیترسون، که به سبب تولد آمریکایی بود در شهر لوس آنجلس ازدواج کرد و آنگاه، در ماه اوت سال ۱۹۷۵ وی و همسرش به تهران نقل مکان کردند و خواهان به عنوان شریک آفا و رئیس بخش طراحی شهری و منطقه‌ای آن شرکت مشغول به کار گردید. هرچند که خواهان و خانواده‌اش در ایران اقامت گزیدند وی ادعا می‌کند که قصد داشتند بطور موقت و در حدود پنج سال در ایران بمانند.

۱۲ - در ماه اوت ۱۹۷۸ خواهان و همسرش موقتاً به آتن، پایتخت یونان رفتند و در آنجا خواهان مأمور سرپرستی شعبه موسسه در آتن گردید. پس از افزایش اغتشاشات در ایران در نیمه دوم سال ۱۹۷۸، آفا با مشکلات مالی مواجه شد و تصمیم گرفت که شعبه خود را در آتن در تاریخ دهم دیماه ۱۳۵۶ [۳۱ دسامبر ۱۹۷۸] تعطیل کند. خواهان برای پیگیری کارها در آتن باقی ماند ولی به دلیل وخامت اوضاع ایران وی و همسرش از آتن به پاریس رفتند و با الحاق به سایر شرکای آفا مشغول چاره اندیشی برای گسترش فعالیت شرکت خود در سایر نقاط خاورمیانه شدند.

۱۳ - در تاریخ دوم اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ [۲۲ آوریل ۱۹۷۹] خواهان و همسرش به ایالات متحده بازگشتند و مشارالیه به مدیریت شرکت آمریکایی هیل‌کرست دیولوپمنت کامپنی منصوب شد که به مدت ۱۷ سال شریک تصامنی آن بود. خواهان و همسرش سپس یک شرکت برنامه‌ریزی و خدمات مشاوره اقتصادی و طراحی داخلی به نام غفاری اسوسی ایتس تأسیس نمودند و در سال ۱۹۸۰ موسسه غفاری کورپوریشن را برای اشتغال در امور ساختمان و مدیریت مستغلات تشکیل دادند و به تعدادی فعالیت دیگر نیز پرداختند.

۱۴ - خواهان می‌گوید که پس از کسب تابعیت در سال ۱۹۶۶ و احراز شرایط رای دادن، وی در طول مدت اقامتش در ایالات متحده در کلیه انتخابات رای داده و از زمانی که در ایالات متحده شروع به کسب درآمد کرد به دولت آمریکا مالیات و حق بیمه اجتماعی پرداخته است. وی عضو تعدادی از سازمانهای حرفه‌ای ایالات متحده بوده، حداقل از سال ۱۹۵۶ در بانکهای ایالات متحده حساب بانکی داشته و معالجات پزشکی خود را اکثراً، و حتی در مواقعی که در خارج از آمریکا زندگی می‌کرده، در ایالات متحده انجام داده است.

۱۵ - خواهان برای ورود به ایران و خروج از آن کشور و در بسیاری موارد برای سفر به کشورهای ثالث از گذرنامه ایرانی خود استفاده کرده و واقعه ازدواج و تولد دو فرزند خود را نزد مراجع ایرانی به ثبت رسانده است. وی در مدت اقامتش در ایران طبق قوانین ایران مالیات بر درآمد پرداخته و در یک بانک ایرانی حساب باز کرده بود. خواهان اظهار می‌دارد که هیچگاه در ایران رأی نداده یا برای رأی دادن ثبت نام نکرده است. وی هرگز در ایران صاحب ملک نبوده و در مدت اقامتش در آن کشور از آپارتمان اجاره‌ای استفاده نموده است.

۱۶ - گرچه طرفین اختلاف نظری در این باب ندارند که خواهان در کلیه اوقات ذیربط تبعه ایران بوده و هنوز هم هست، خواننده در برابر این دیوان به اعتبار و موثر بودن تابعیت آمریکایی خواهان ایراد دارد. خواننده استدلال می‌کند که خواهان مقررات قانون مهاجرت و تابعیت ایالات متحده را در مورد اقامت مستمر در آن کشور رعایت نکرده و اظهار می‌دارد که سفرهای خواهان در سال ۱۹۶۵ به ایران و اقامت وی در فاصله فوریه ۱۹۶۶ تا اکتبر ۱۹۶۹ در ایران برخلاف مقررات قانون مهاجرت و تابعیت ایالات متحده صورت گرفته است که به موجب آن، متقاضی، مادام که تقاضای تابعیتش در دست رسیدگی است و نیز طی پنج سال بعد از کسب تابعیت، باید مستمراً در ایالات متحده سکونت داشته باشد.

۱۷ - دیوان متقاعد شده است که ادله تسلیمی خواهان، از جمله فتوکپی گواهی اعطای تابعیت شماره ۸۸۸۶۲۲۱ و نیز فتوکپی گذرنامه‌های آمریکایی که در تاریخهای سوم اسفندماه ۱۳۴۹ [۲۲ فوریه ۱۹۷۱]، دهم مردادماه ۱۳۵۵ [اول اوت ۱۹۷۶] و ۲۲ مهرماه ۱۳۶۰ [۱۴ اکتبر ۱۹۸۱] برای وی صادر شده‌اند، تابعیت آمریکایی خواهان را ثابت می‌کنند. در سوابق پرونده مدرکی وجود ندارد که نشان دهد دولت ایالات متحده به منظور ابطال یا لغو دستور پذیرش خواهان به تابعیت ایالات متحده یا ابطال گواهی تابعیت وی، دادرسی موضوع ماده ۳۰۴(د) قانون مهاجرت و تابعیت ایالات متحده، 8 U.S.C. 1451(d)، را آغاز کرده باشد چه رسد به اینکه چنین دادرسی را به انجام رسانده باشد.

۱۸ - در غیاب دلایل معارض آشکار، دیوان اعتبار یا موثر بودن اقدام یک مرجع صالح داخلی را در اعطای تابعیت مورد سوال قرار نخواهد داد. برای نمونه، بنگرید به: بند ۱۷ حکم شماره ۱-۲۹۰-۵۰۰ مورخ ششم دیماه ۱۳۶۹ [۲۷ دسامبر ۱۹۹۰] صادره در پرونده افراسیاب اسعد بختیاری و جمهوری اسلامی ایران، چاپ شده در 25 Iran-U.S. C.T.R. 289,295-296، بند ۱۲ حکم شماره ۱-۲۶۹-۴۹۹ مورخ ششم دیماه ۱۳۶۹ [۲۷ دسامبر ۱۹۹۰] صادره در پرونده آلبرت بروخیم و دیگران و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در 25 Iran-U.S. C.T.R. 278, 283-84، پانوشته شماره ۳ بند ۲۱ حکم مورخ ۱۹ تیرماه ۱۳۶۹ [دهم ژوئیه ۱۹۹۰] صادره در پرونده رضا نمازی و دیگران و جمهوری اسلامی ایران، چاپ شده در 25 Iran-U.S. C.T.R. 153, 157, note 5. دیوان دلیلی نمی‌یابد که در این مورد به گونه‌ای متفاوت عمل کند. گرچه دیوان‌های بین‌المللی ممکن است تابعیت یک طرف دعوی را برای تعیین موثر بودن آن مورد بررسی قرار دهند، در وضعیت پرونده حاضر، ادله موجود در پرونده چنین بررسی را توجیه نمی‌کند. بنگرید به:

Flegenheimer Case (1958), 14 RIAA 327, 337-38; the Pinson Case (1928), 5 RIAA 327; the Polish Nationals in Danzig Case (1931), Ser. A/B, no. 44, p. 24.

۱۹ - اینک که محرز گردید خواهان دارای تابعیت هر دو کشور ایران و ایالات متحده است، دیوان باید به تعیین تابعیت غالب و موثر وی در دوره ذیربط، یعنی دوره واقع بین ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹] که تاریخ بروز ادعاست، و ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱]، یعنی تاریخ بیانیه حل و فصل دعاوی، بپردازد. در تعیین این موضوع دیوان باید "کلیه عوامل ذیربط و از جمله محل اقامت معمولی، مرکز علایق و منافع، پیوندهای خانوادگی، مشارکت در زندگی عمومی و سایر شواهد وابستگی را" در نظر بگیرد. صفحه ۲۰ حکم پرونده الف - ۱۸، چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. at 265.5 در تعیین تابعیت غالب و موثر خواهان طی دوره ذیربط، اعمال و رویدادهای مقدم بر آن دوره نیز موثر در مقام باقی می ماند و فی الواقع دیوان نظر داده است که برای تعیین تابعیت غالب و موثر باید کلیه رویدادهای مهم تمام عمر خواهان بررسی شود. بنگرید به: بند ۱۴ قرار اعدادی شماره ۳-۱۹۳-۶۸ مورخ دوم تیرماه ۱۳۶۷ [۲۳ ژوئن ۱۹۸۸] صادره در پرونده رضا سعید مالک و جمهوری اسلامی ایران، چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. 48,51:19

با اینکه [دوره ذیربط] از لحاظ تعیین صلاحیت دیوان واجد اهمیت است، ولی تنها مدتی نیست که باید در تعیین اینکه تابعیت آمریکایی (یا حسب مورد تابعیت ایرانی) خواهان در مدت ذیربط "تابعیت غالب و موثر" وی بوده، مورد توجه قرار گیرد. مسلماً برای احراز تابعیت غالب و موثر در هنگام به وجود آمدن ادعای لازم است رویدادهای زندگی خواهان قبل از این تاریخ بررسی شود. در واقع، تمام عمر خواهان از بدو تولد، و کلیه عواملی که در فاصله این مدت، بر واقعیت و خلوص نیت او در انتخاب تابعیت مورد ادعای وی دلالت داشته باشند، حائز اهمیت هستند.

۲۰ - از ادله موجود نزد دیوان این نتیجه حاصل می‌شود که خواهان دارای تابعیت غالب و موثر ایالات متحده است. گرچه خواهان به سبب تولد ایرانی است و از بدو تولد تا تاریخ بروز ادعا مدت زمانی تقریباً "مساوی" - یعنی حدود ۲۵ سال - را در هر یک از کشورهای ایران و ایالات متحده گذرانده، اما سایر عوامل حاکی از این است که وابستگی وی به ایالات متحده بر وابستگیش به ایران غلبه دارد.

۲۱ - با اینکه خواهان دوران کودکی و بخشی از دوره جوانی خود را در ایران گذرانده، در سنین پایین یعنی در ۱۸ سالگی به ایالات متحده نقل مکان کرد و تا سال ۱۹۶۵ که برای اولین بار، یعنی در سن ۳۷ سالگی به ایران مراجعت کرد بطور مستمر در ایالات متحده سکونت گزید. افزون براین، گرچه خواهان در دو موقعیت مختلف به منظور سکونت به ایران بازگشت، یکبار در سال ۱۹۶۶ برای اقامت سه ساله و بار دیگر در سال ۱۹۷۵ بازهم برای اقامت سه ساله، اما روشن است که با توجه به ضوابط مقرر در رأی پرونده الف - ۱۸، مندرج در بند ۱۹ بالا - "مرکز علایق و منافع، پیوندهای خانوادگی، مشارکت در زندگی عمومی و سایر شواهد وابستگی" - یا به عبارتی، مرکز ثقل زندگی خواهان در ایالات متحده قرار داشته است. ادله ارائه شده توسط خواهان همچنین نشان می‌دهد که در سال ۱۹۷۵ که وی به ایران بازگشت، قصد داشت به مدت پنج سال در آنجا اقامت کند.

۲۲ - از آنجا که به نظر دیوان کلیه عوامل ذیربط مزبور به یک نتیجه منتهی می‌شود، بررسی اهمیت نسبی هر یک از این عوامل ضروری به نظر نمی‌رسد. در عین حال دیوان مایلست خاطر نشان سازد که بطور کلی آنچه که در تعیین تابعیت غالب و موثر خواهان حائز اهمیت است رفتار اوست و نه گفتار یا قصد وی. از اینرو، برای مثال، از نظر دیوان مهم نیست که قصد خواهان از سفرش به ایران در سال ۱۹۷۵ چه بوده است. حتی اگر خواهان قصد داشت به مدتی نامعلوم یا بطور دائم در ایران بماند، که خواهان آن را تکذیب می‌کند، واقعیت اینست که در اوت سال

۱۹۷۸ وی ایران را به قصد آتن، یونان ترک کرد و در آوریل سال ۱۹۷۹ به ایالات متحده مراجعت نمود و هنوز هم در آنجا سکونت دارد.

۲۳ - گرچه اقامت و اشتغال خواهان در تهران در فاصله سال ۱۹۷۵ تا پایان سال ۱۹۷۸ مسلمانان علائق وی را با ایران استحکام بخشید، معیذا وابستگی های خواهان به ایالات متحده ادامه یافت و هیچگاه وقفه ای در آنها پدید نیامد. من حیث المجموع، دوره واقع در فاصله سالهای ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۸ تأثیر و غلبه کلیه را که تابعیت آمریکایی خواهان قبل از سال ۱۹۷۵ حاصل نموده بود زایل نکرد. مسایلی از قبیل چندین سال تأخیر خواهان در تقاضای تابعیت ایالات متحده یا استفاده وی از گذرنامه ایرانی خود برای سفر به کشورهای ثالث، گرچه می تواند در بعضی مواقع حایز اهمیت باشد، اما در چهارچوب کلیه ادله ارائه شده در پرونده حاضر چندان اهمیتی ندارد.

۲۴ - در نتیجه، به نظر دیوان تابعیت غالب و موثر خواهان در کلیه اوقات ذریبطه، تابعیت ایالات متحده بوده و وی اهلیت طرح دعوی خود را در این دیوان دارد.

ب - سایر موضوعات صلاحیتی

۲۵ - ادعای حاضر بابت سلب مالکیت از علائق مالکانه خواهان در آفاست و بنابراین مشمول صلاحیت موضوعی دیوان نسبت به ادعاهای ناشی "از... سلب مالکیت یا سایر اقدامات موثر در حقوق مالکیت" می باشد. بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی.

۲۶ - مضافاً، دیوان متقاعد شده است که ادعای حاضر وفق بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی به طور مستمر متعلق به یک تبعه ایالات متحده، و طبق الزام بند ۱ ماده دو بیانیه مذکور این ادعا در تاریخ ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] پابرجا بوده است.

۲۷ - براساس مراتب فوق، دیوان نظر می‌دهد که نسبت به ادعای حاضر صلاحیت رسیدگی دارد.

سوم - ماهیت ادعا

الف - مقدمه

۲۸ - این ادعا بابت ارزش ۸/۶ درصد علایق مالکانه خواهان در آفا بوده و با علایق مالکانه‌ای که موضوع دعوای پرونده برنیام بود یکسان است. همانطور که گفته شد، دیوان در آن پرونده نظر داد که آفا در تاریخ ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹] توسط خواننده مصادره شده است، بنگرید به: بند ۲ بالا. دیوان در همان پرونده به این نتیجه رسید که ارزش خالص آفا در تاریخ مزبور /-۰۴۴،۸۶۱،۹۷۶ ریال بوده است. بنگرید به: بند ۲ اصلاحیه حکم شماره ۲-۹۶۷-۵۴۹ مورخ ۲۸ تیرماه ۱۳۷۲ [۱۹ ژوئیه ۱۹۹۳] صادره در پرونده برنیام.

۲۹ - در جلسه استماع، طرفین از دیوان درخواست کردند که برخی از تصمیمات متخذه در پرونده برنیام را اصلاح نماید. مشخصاً، خواهان درخواست کرد که موارد زیر مورد تجدید نظر واقع شوند: (۱) ارزش ۵۰ درصد علایق آفا در تامز - آفا(۲)، (۲) ارزش ساختمان اداری آفا(۳)، (۳) منظور نمودن دیون آفا به شرکا در ارزش آفا(۴) و (۴) منظور نمودن حسابهای دریافتی از بانک مرکزی، ونک پارک و

۲ - بنگرید به: بندهای ۶۵-۷۲ حکم برنیام

۳ - بنگرید به: بندهای ۶۲-۶۴ همان حکم

۴ - بنگرید به: بندهای ۹۲-۹۶ همان حکم

تامر - آفا در ارزش آفا(۵). خواننده نیز به سهم خود از دیوان درخواست کرد که موارد زیر را اصلاح نماید: (۱) تاریخ مصادره آفا(۶)، (۲) استنتاجات دیوان راجع به موضوعات مالکیت و ارزش ساختمان اداری آفا(۷)، (۳) رقم حساب پیش‌پرداخت مالیاتی آفا در ترازنامه(۸) و (۴) چند مورد از نتیجه‌گیریهای دیوان در تعیین بدهی مالیاتی آفا(۹).

۳۰ - طرفین از دیوان درخواست نکرده‌اند که حکم خود در پرونده برنیام را رسماً مورد تجدیدنظر قرار دهد. جریان رسیدگی پرونده حاضر از رسیدگی به پرونده برنیام مجزا و متمایز بوده و وظیفه دیوان در پرونده حاضر این است که براساس واقعیات و اوضاع و احوال پرونده حکم جدیدی صادر نماید. البته اختلافی در این موضوع نیست که واقعیات و اوضاع و احوال مربوط به ماهیت دعوی حاضر عملاً مشابه واقعیات و شرایط پرونده برنیام است. در چنین وضعیتی، اطمینان قضایی و نیاز به اجتناب از اتخاذ تصمیمات متناقض حکم می‌کند که دیوان قبل از اصلاح نتایج حاصله در حکم قبلی خود جانب احتیاط را رعایت نماید. در وضعیت مشابهی در پرونده برنیام دیوان نظر داد که "طرفی که خواستار تعدیل ارزشگذاری انجام شده در یکی از احکام پیشین دیوان است، بار سنگینی برای متقاعد کردن دیوان بر عهده دارد". بند ۷۱ همان حکم. این معیار اثبات منحصر به موارد ارزشیابی نیست.

۵ - بنگرید به: بندهای ۷۳-۹۱ همان حکم

۶ - بنگرید به: بند ۳۲ همان حکم

۷ - بنگرید به: بندهای ۵۳-۶۱ همان حکم

۸ - بنگرید به: بند ۹۱ همان حکم

۹ - بنگرید به: بندهای ۹۹-۱۴۱ همان حکم

۳۱ - مسلماً در مواردی که ادله و استدلال‌های جدید و قانع کننده چنین اصلاحی را لازم آورد دیوان می‌تواند تصمیم خود در احکام پیشین را اصلاح نماید. طرف متقاضی اصلاح ملزم است سؤالات یا ایراداتی را که دیوان هنگام بررسی موضوع در حکم قبلی ابراز نموده به نحو متقاعد کننده‌ای مورد بحث قرار دهد و هرگونه نقص مدرکی را که دیوان در آن هنگام مشخص کرده بوده، برطرف نماید.

۳۲ - دیوان درخواستهای طرفین دایر بر اصلاح پاره‌ای از نتایج حاصله در پرونده برنیام را در پرتو ملاحظات مذکور در بندهای ۳۰ و ۳۱ بالا مورد بررسی قرار خواهد داد.

ب ارزش ۵۰ درصد علایق مالکانه آفا در تامز-آفا

۳۳ - در حکم پرونده برنیام، دیوان نظر داد که ارزش پنجاه درصد علایق مالکانه آفا در تامز-آفا، یک مؤسسه ایرانی که آفا به اتفاق شرکت آمریکایی خدمات مهندسی و معماری تیتس، آبت، مک کارتی، استراتن ("تامز") تشکیل داده بود، ۴۴۷،۰۰۰،۰۰۰ ریال بوده است. بنگید به بند ۷۲ همان حکم. این نتیجه‌گیری بر حکم شماره ۱۴۱-۷-۲ دیوان استوار بود که در تاریخ هشتم تیرماه ۱۳۶۳ [۲۹ ژوئن ۱۹۸۴] در پرونده تیتس، آبت، مک کارتی، استراتن، و تامز-آفا و دیگران صادر شده و در 6 Iran-U.S. C.T.R. 219 (از این بعد "تیتس") به چاپ رسیده است. در پرونده تیتس، دیوان نظر داد که ارزش خالص تامز-آفا در تاریخ ۱۱ اسفندماه ۱۳۵۸ [اول مارس ۱۹۸۰] مبلغ ۸،۰۰۰،۰۰۰ ریال بوده و "بدهی تامز-آفا به آفا تقریباً" ۴۷ میلیون ریال بیشتر از بدهی است که وی بابت بازپرداخت هزینه‌ها به تامز داشته است، همان ماعخذ صفحات ۱۵-۱۴، 6 Iran-U.S. C.T.R. at 228.

۳۴ - در پرونده برنیام، خواهان، یعنی آقای برنیام اظهار داشت که مدارک تسلیمی

وی در پرونده مزبور، که آن مدارک در پرونده تیبیس موجود نبود، نشان می‌داد که ارزش تامز-آفا در ماه مارس ۱۹۸۰ به مراتب بیشتر از ارزشی بوده که در پرونده تیبیس ذکر شده است. ادله جدید مورد استناد آقای برنهام مشتمل بر گزارشی بود که وضع مالی تامز-آفا را در تاریخ ۳۰ اسفندماه ۱۳۵۸ [۲۰ مارس ۱۹۸۰] نشان می‌داد و ظاهراً در سال ۱۹۸۰ زیر نظر مدیر دولتی تامز-آفا تهیه شده بود. آقای برنهام ادعا کرد که رقم /۵۷۱،۱۳۵،۸۶۳ ریالی که در گزارش مزبور به عنوان ارزش تامز-آفا تعیین شده، /۱،۲۸۰،۶۸۸،۳۹۷ ریال کمتر از ارزش واقعی تامز-آفا است، زیرا در گزارش مزبور یک قلم حساب دریافتی از سازمان هواپیمایی کشوری به همین مبلغ هم به عنوان دارایی در ستون "بدهکاران" و هم به عنوان بدهی در ستون "بستانکاران" آورده شده است. آقای برنهام استدلال نمود که اثر تهاتری این دو رقم مساوی در ترازنامه تامز-آفا یک روش حسابداری موسوم به "حساب مقابله‌ای" (contra-accounting) بود که برای مشخص کردن حق‌الزحمه‌هایی استفاده می‌شد که هنوز پرداخت نشده بود. آقای برنهام نتیجه‌گیری کرد که ارزش واقعی تامز-آفا در تاریخ ۳۰ اسفندماه ۱۳۵۸ [۲۰ مارس ۱۹۸۰] مبلغ /۱،۸۵۱،۸۲۴،۲۶۰ ریال و ارزش ۵۰ درصد سهم آفا در آن تقریباً /۸۹۳،۵۵۹،۷۵۳ ریال بوده است. بنگید به: بندهای ۶۸-۷۰ حکم پرونده برنهام. معهذاً، دیوان استدلال "حساب مقابله‌ای" آقای برنهام را متقاعد کننده نیافت و رأی خود در پرونده تیبیس را تأیید نمود. بنگید به: بند ۷۲ حکم برنهام.

۳۵ - خواهان پرونده حاضر نیز استدلال "حساب مقابله‌ای" آقای برنهام را تکرار می‌کند و با استناد به همان گزارش وضعیت مالی تامز-آفا در تاریخ ۳۰ اسفندماه ۱۳۵۸ [۲۰ مارس ۱۹۸۰]، که در پرونده برنهام عرضه شده بود ("گزارش مالی تامز-آفا")، می‌گوید که چون مطالبات آفا از سازمان هواپیمایی کشوری ("هواپیمایی کشوری") هم به عنوان دارایی و هم به عنوان بدهی در ترازنامه تامز-آفا درج گردیده، لذا

ارزش تامز-آفا در دفاتر شرکت کمتر از واقع ذکر شده است. براین اساس، خواهان در جلسه استماع درخواست نمود که دیوان نتیجه‌ای را که در این خصوص در پرونده برننام حاصل نموده بود، مورد تجدید نظر قرار دهد.

۳۶ - در جلسه استماع، خواهان کارشناسی به نام آقای مجید زرین کلک معرفی نمود که یک ایرانی است که در ایالات متحده دارای گواهی حسابداری می‌باشد. نامبرده راجع به ارقام مندرج در گزارش مالی تامز-آفا شهادت داد. آقای زرین کلک اظهار داشت که در ترازنامه مندرج در گزارش مزبور یک رقم دارایی جاری به مبلغ ۷۰۵،۳۶۹،۲۸۱ ریال در ستون "بدهکاران" (۱۰) منظور شده است. وی متذکر گردید که گزارش مالی تامز-آفا همچنین حاوی تفکیک رقم مذکور در بالا و مشتمل بر حساب دریافتنی از هواپیمایی کشوری است، به علاوه شش قلم دیگر در ستون "بدهکاران" مجموعاً به مبلغ ۱،۲۸۰،۶۸۸،۳۹۷ ریال. در همین رابطه، آقای زرین کلک توضیح داد که حسابهای دریافتنی بر دو نوعند، یکی "حسابهای دریافتنی تجاری" که معرف درآمد وصول نشده بابت فروش کالاها و خدمات است و دیگری "حسابهای دریافتنی متفرقه" که مشتمل بر اقلامی از قبیل مساعده به کارمندان، تنخواه گردان و امثال آن می‌باشد. طبق اظهار آقای زرین کلک، از هفت قلم حساب دریافتنی تفکیکی تنها حساب دریافتنی از هواپیمایی کشوری حساب دریافتنی تجاری است.

۳۷ - آقای زرین کلک در ادامه توضیحات خود اضافه نمود، در مواردی مانند مورد تامز-آفا که حسابها بر مبنای سیستم تعهدی تنظیم می‌شوند، حسابهای دریافتنی تجاری معمولاً به عنوان درآمد قابل وصول در حساب سود و زیان درج می‌گردند.

۱۰ - بنا به اظهار آقای زرین کلک، اصطلاح دقیق تر این قلم از نظر فنی "حسابهای دریافتنی" می‌باشد.

اما نامبرده خاطرنشان ساخت که در آمد حاصله از هواپیمایی کشوری در حساب سود و زیان تامز-آفا ثبت نشده است. آقای زرین کلک اظهار داشت برای درک اینکه چرا این قلم جا افتاده باید ترازنامه تامز-آفا را ملاحظه کرد که در قسمت بدهی زیر ستون "بستانکاران" (۱۱) رقمی به مبلغ /-۸۶۴،۳۶۰،۴۸۲،۱ آمده است. نامبرده توضیح داد که در گزارش یاد شده، قلم تفکیکی مزبور به ده بستانکار مربوط می شود که یکی از آنها هواپیمایی کشوری است با رقم بستانکاری به مبلغ /-۳۹۷،۶۸۸،۲۸۰،۱ ریال. وی سپس افزود که حسابرسان دولتی مسئول تهیه گزارش مالی تامز-آفا حساب دریافتنی از هواپیمایی کشوری را با یک رقم مساوی آن بابت حساب پرداختنی به سازمان مزبور تهاتر کرده اند درحالیکه این حساب دریافتنی بایستی به عنوان در آمد دریافتنی در حساب سود و زیان منعکس می شد. آقای زرین کلک اضافه نمود که در سیستم حسابداری نقدی این نوع ثبت اقلام به "حساب مقابله ای" موسوم است.

۳۸ - آقای زرین کلک اظهار داشت که به اعتقاد وی حساب پرداختنی به هواپیمایی

کشوری معرف یک بدهی واقعی نیست و اضافه نمود که تعجب آور است که یک موسسه مهندسی مانند تامز-آفا بدهی چنان گزافی به یکی از مشتریان داشته باشد، خاصه اینکه این مبلغ دقیقاً معادل رقم بدهی همان مشتری به موسسه باشد. نامبرده همچنین معتقد بود که این نحوه ثبت حساب دریافتنی از هواپیمایی کشوری مبین نگرانی یا تردیدی در قابلیت وصول آن نبوده است. آقای زرین کلک اظهار داشت در صورتی که حسابرسان تهیه کننده صورتهای مالی چنین نگرانی یا تردیدی داشتند در صورتهای مالی تامز-آفا برای رقم دریافتنی مزبور توضیح می دادند.

۱۱ - بنا به اظهار آقای زرین کلک، اصطلاح دقیق تر این قلم از نظر فنی "حسابهای پرداختنی" است که مبین هزینه هایی است که بعداً باید پرداخت شوند.

۳۹ - آقای زرین کلک اظهار داشت که بنابراین به نظر وی، ثبت مضاعف رقم فوق‌الذکر در صورتهای مالی تامز-آفا صحیح نبوده است. وی اضافه نمود که نتیجه این نحوه ثبت این بوده که درآمد تامز-آفا و در نتیجه، دارایی شرکای آن به میزان $۱,۲۸۰,۶۸۸,۳۹۷/-$ ریال کمتر از واقع نشان شده است. آقای زرین کلک اظهار نظر کرد که این نحو ثبت نمی‌توانسته اتفاقی باشد، بلکه تعمدی بوده است از ناحیه حسابرسان دولتی به منظور کمتر جلوه دادن ارزش تامز-آفا. مشارالیه نتیجه‌گیری کرد که مبلغ $۱,۲۸۰,۶۸۸,۳۹۷/-$ ریال دریافتی از هواپیمایی کشوری بایستی حقا در صورت درآمد تامز-آفا درج می‌شد و نتیجتاً ارزش خالص واقعی موسسه $۱,۸۵۱,۸۲۴,۲۶۰/-$ ریال خواهد بود.

۴۰ - در پرونده برنبام، دیوان نظر داد که استدلال "حساب مقابله‌ای" آقای برنبام از عهده ایفای وظیفه سنگینی که طرف متقاضی تعدیل ارزشگذاری انجام شده در یکی از احکام پیشین برای متقاعد کردن دیوان بر دوش دارد، برنیآمده است. در رأی برنبام آمده است:

در گزارش مالی تامز-آفا مطلبی حاکی از اینکه ثبت دابل حساب دریافتی در واقع "حساب مقابله‌ای" بوده و نیز قرینه‌ای حاکی از اینکه روش حسابداری مزبور در مورد هیچیک از سایر حسابهای دریافتی در گزارش اعمال شده باشد، وجود ندارد. به دلایل مذکور در فوق، دیوان با ادله تسلیمی در پرونده حاضر متقاعد نشده است که ارزشگذاری دیوان در حکم پیشین آن باید در حکم حاضر تغییر داده شود.

بند ۷۱ همان حکم. خواهان برای اینکه دیوان را متقاعد کند که ارزشگذاری دیوان در پرونده برنبام، بابت ۵۰ درصد علایق آفا در تامز-آفا، می‌بایستی در پرونده حاضر تعدیل می‌شد، دست کم موظف بود راجع به سئوالات و ایراداتی که هنگام رسیدگی بدین موضوع در پرونده برنبام برای دیوان مطرح شده بود به نحو رضایت بخشی توضیح دهد. اما وی چنین نکرده است.

۴۱ - آقای زرین کلک ضمن توضیح راجع به تفاوت بین حسابهای دریافتی تجاری و حسابهای دریافتی متفرقه اضافه نمود، در مواردی که حسابداری بر مبنای سیستم تعهدی است، حسابهای دریافتی تجاری به عنوان درآمد قابل وصول در حساب سود و زیان منعکس می‌شوند. استنباط دیوان از توضیحات آقای زرین کلک این است که از ۷ قلم حساب دریافتی مندرج در گزارش مالی تامز-آفا، تنها حساب هواپیمایی کشوری از نوع حساب دریافتی تجاری است. لیکن، به نظر دیوان قابل شدن این تمایز بین انواع مختلف حسابهای دریافتی، چنانکه توضیح داده شد، بطور کافی پاسخگوی سئوالی نیست که در پرونده برنیام برای دیوان مطرح شده بود و آن اینکه چرا "حساب مقابله‌ای" ادعایی جز در مورد مبلغ دریافتی از هواپیمایی کشوری در مورد هیچیک از سایر حسابهای دریافتی اعمال نشده است. ادعای خواهان در این رابطه، مبنی بر اینکه حسابرسان دولتی برای اینکه ارزش خالص تامز-آفا را کمتر از واقع جلوه دهند رقم مزبور را به صورت دوپل در دفاتر تامز-آفا درج کرده‌اند بی‌اساس است و لذا به علت فقد دلیل رد می‌شود.

۴۲ - خواهان همچنین نتوانسته است به سئوال دیگر دیوان در پرونده برنیام پاسخ دهد که چطور در گزارش مالی تامز-آفا مطلبی حاکی از اینکه ثبت مضاعف حسابهای دریافتی در واقع "حساب مقابله‌ای" بوده وجود ندارد. لذا این سئوال کماکان برای دیوان باقی است. به علاوه، علیرغم اینکه حساب دریافتی هواپیمایی کشوری مبلغ معتنا بهی است خواهان مدرکی در تایید آن ارائه نکرده است. شهادت کتبی آقای زرین‌نژاد، مدیر سابق منصوب دولت نیز، که توسط خواهان تسلیم گردید، موید این موضوع نیست.

۴۳ - بنا به دلایل پیشگفته، درخواست خواهان مبنی بر اینکه دیوان از تصمیم خود در پرونده برنیام در خصوص ارزش ۵۰ درصد سرمایه‌گذاری آفا در تامز-آفا عدول نماید، رد می‌شود. از اینرو، دیوان تأیید می‌کند که ارزش آن علائق مالکانه ۴۴۷،۰۰۰،۰۰۰/- ریال بوده است.

ج - مالکیت ساختمان اداری آفا در خیابان تخت جمشید، شماره ۲۸

۴۴ - در پرونده بربنام، دیوان نظر داد که ساختمان واقع در شماره ۲۸ خیابان تخت جمشید که دفاتر مرکزی آفا در آن قرار داشت متعلق به آفا بوده است و لذا مبلغ $۱۳۳,۹۸۶,۰۳۶/-$ ریالی را که بابت ارزش آن در نظر گرفته بود در ارزشگذاری آفا منظور نمود. بنگرید به: بندهای ۶۱ و ۶۴ همان حکم.

۴۵ - در پرونده بربنام، خواننده تکذیب کرد که آفا مالک ساختمان مورد بحث بوده و براساس سند مالکیت ساختمان اظهار داشت که ساختمان مزبور متعلق به افراد معینی بوده است. دیوان نظر داد که سند مالکیت به موضوع مالکیت ربط ندارد، زیرا اسنادی از جمله مدارک مستند مربوط به همان زمان - - یعنی مکاتبات انجام شده در سال ۱۹۸۴ بین مدیر تصفیه آفا (که توسط سازمان برنامه و بودجه نصب شده بود)، سازمان اخیرالذکر و سازمان تبلیغات اسلامی - - نشان می‌داد که ساختمان اداری آفا در سال ۱۳۵۳ [۲۱ مارس ۱۹۷۴ - ۲۰ مارس ۱۹۷۵] به مبلغ $۱۰۷,۱۸۸,۸۲۹/-$ ریال "از محل منابع مالی" آفا خریداری شده، "ولی سند مالکیت در دفتر اسناد رسمی بنام شرکا و خانواده‌شان ثبت و صادر شده است". دیوان همچنین این مطلب را در نظر گرفت که در سال ۱۹۸۲ موسسه آفا (در حال تصفیه) ساختمان اداری خود را به سازمان تبلیغات اسلامی فروخته بود. بنگرید به: بندهای ۵۶-۵۷ همان حکم. دیوان برای حصول این نتیجه که آفا مالک ملک مورد بحث بود، چنین احتجاج نمود:

ادله نشان می‌دهد که سازمان برنامه و بودجه که آفا را تحت مدیریت دولت درآورده بود، مدیر دولتی آفا و مدیر تصفیه آفا، همگی آفا را مالک ساختمان مذکور می‌شناختند، قطع نظر از اینکه در سند مالکیت سال ۱۳۵۳ چه کسانی به عنوان خریداران اولیه ذکر شده‌اند. دیوان معتقد است که درحالیکه سازمان برنامه و بودجه، مدیر دولتی آفا و مدیر تصفیه منصوب دولت برای آفا هرگز سند مالکیت سال ۱۳۵۳ ساختمان را

مؤثر در موضوع مالکیت آن نمی‌دانستند، قابل توجیه نیست که اینک دیوان آن را چنین تلقی نماید. در این رابطه، دیوان به ویژه این موضوع را حایز اهمیت می‌داند که مبلغ ۵۰،۰۰۰،۰۰۰/- ریال پرداختی توسط سازمان تبلیغات اسلامی بابت خرید ساختمان مزبور، در واقع به آفا پرداخت شده است...

بند ۶۱ همان حکم.

۴۶ - در این پرونده نیز خواننده این ادعای خود را تکرار می‌کند که ساختمان اداری واقع در شماره ۲۸ خیابان تخت جمشید به آفا تعلق نداشته و در تایید موضع خود از دیوان درخواست می‌نماید که تصمیم متخذه در پرونده پرینام راجع به این موضوع را تغییر دهد. خواننده در تائید موضع خود ادله کتبی جدید، شهادتنامه و شهادت شفاهی شاهد کارشناس، آقای بهروز وقتی، حسابدار خبره در ایران و متخصص مسایل مالیاتی ایران را عرضه نمود. دیوان ذیلاً" به بررسی این ادله می‌پردازد.

۴۷ - خواننده تعدادی "برگ تشخیص مالیات مستغلات" تسلیم نموده که در سال ۱۹۸۰ توسط مقامات مالیاتی ایران صادر شده‌اند. در این برگهای تشخیص، از ساختمان اداری مورد بحث به عنوان ملکی نام برده شده که به درآمد ادعایی حاصل از اجاره آن مالیات تعلق می‌گرفته است. در این برگها همچنین اسامی اشخاصی که در سند مالکیت به عنوان خریدار ذکر شده‌اند به عنوان موعدی مالیاتی درج گردیده است. این اشخاص عبارتند از: شرکای آفا مشتمل بر فرمانفرمایان، مجد، معاونی و نیز افراد خانواده آنها. به نظر خواننده، این واقعیت که مقامات مالیاتی بجای آفا از افراد مذکور در سند مالکیت مالیات مطالبه کرده‌اند آشکارا نشان می‌دهد که آفا مالک ساختمان اداری مزبور نبوده است.

۴۸ - چنانچه گفته شد، در پرونده پرینام دیوان استدلال خواننده را که بر سند مالکیت سال

۱۹۷۴ ساختمان مبتنی بود رد کرد و با توجه به ادله متقن اقامه شده در آن پرونده، آفا را بر خریداران مذکور در سند مالکیت ترجیح داد و بر این اساس رأی داد که موسسه مالک واقعی ساختمان اداری بوده است. برای حصول به این نتیجه، دیوان احتجاج نمود که چون ادله موجود نشان می‌دهد که سازمان دولتی که آفا را تحت مدیریت دولت در آورده بود، مدیر دولتی موسسه و مدیر تصفیه موسسه آفا، همگی آفا را مالک می‌شناختند، بنابراین سند مالکیت را نمی‌توان در موضوع مالکیت تعیین کننده دانست. استدلال کنونی و جدید خوانده، بر مبنای "برگهای تشخیص مالیات مستغلات" - - که همان اشخاص مذکور در سند مالکیت به عنوان موعدی در آن نام برده شده‌اند - - در واقع تکرار استدلالی است که خوانده در پرونده برنام اقامه کرده است. لذا استدلال اخیر نیز متقاعد کننده نیست. برگهای تشخیص مالیات مطلب قابل توجهی به ادله ارائه شده در پرونده برنام نمی‌افزاید و مهمتر آنکه، یافته‌های اساسی دیوان در پرونده برنام را مورد معارضه قرار نمی‌دهد که در اوایل دهه ۱۹۸۰، مدیر تصفیه آفا، سازمان برنامه و بودجه و سازمان تبلیغات اسلامی آفا را مالک ساختمان مورد بحث می‌شناختند و نیز اینکه مبلغ ۵۰،۰۰۰،۰۰۰/- ریال پرداختی توسط سازمان تبلیغات اسلامی بابت قیمت خرید ساختمان در واقع به آفا پرداخت گردیده بود.

۴۹ - مضافاً، برگهای تشخیص مالیات فاقد مدارک موعید بوده و اساس محاسبه مالیات در آنها مشخص نشده است. خاصه اینکه، در این برگهای تشخیص معلوم نگردیده است که آیا مالیات بر مبنای مال الاجاره‌ای محاسبه شده که در واقع به اشخاص موصوف در برگ تشخیص به عنوان "موعدی" پرداخت شده بوده یا اینکه برعکس بر مبنای متوسط اجاره‌بهای معمول در مرکز شهر تهران برای املاک مشابه ساختمان اداری آفا محاسبه شده است. در همین زمینه، قابل توجه است که در برگهای تشخیص به ماده ۳۸ قانون مالیاتهای مستقیم ایران عطف شده است که بند ۱ آن مقرر می‌دارد: "ارزش اجاری مستغلات در مواردی که طبق تبصره ۴ ماده ۲۰ باید

براساس اجاره‌بهای املاک مشابه تقویم گردد وسیله ممیز مالیاتی حوزه‌ای که ملک در آن واقع است تعیین خواهد شد." (۱۲) علاوه براین، در کلیه برگه‌های تشخیص مالیات ذیل "اجاره ماهانه" نوشته شده است: "برابر گزارش". خواننده گزارش‌های موصوف در برگه‌های تشخیص مالیات را ارائه نکرده، حال آنکه ظاهراً به این گزارش‌ها دسترسی داشته است. اگر این گزارش‌ها ارائه می‌شد دیوان شاید می‌توانست تعیین نماید که آیا اجاره‌ای بابت ساختمان اداری مزبور پرداخت شده یا نه و اگر پرداخت شده به چه کسی پرداخت شده است.

۵۰ - با توجه به ملاحظات بالا، دیوان استدلال خواننده را که بر مبنای برگه‌های تشخیص مالیات مستغلات اقامه شده رد می‌کند.

۵۱ - دیوان اینک به شهادت آقای بهروز وقتی می‌پردازد. آقای وقتی در شهادتنامه خود، که در جلسه استماع آنرا تاعید کرد، شهادت می‌دهد که آفا مالک ساختمان واقع در شماره ۲۸ خیابان تخت جمشید نبوده است. وی در همین رابطه صحت نامه مورخ ۱۹ شهریورماه ۱۳۶۳ [دهم سپتامبر ۱۹۸۴] مدیر تصفیه آفا را به سازمان برنامه و بودجه، که در پرونده برنیام مورد استناد دیوان قرار گرفته بود، مورد سؤال قرار می‌دهد. در نامه مذکور آمده است که در سال ۱۳۵۳ [۲۱ مارس ۱۹۷۴ الی ۲۰ مارس ۱۹۷۵] ساختمان مورد بحث "به مبلغ ۱۰۷،۱۸۸،۸۲۹/- ریال از محل منابع مالی [آفا] خریداری شده بود ولی سند مالکیت در دفتر اسناد رسمی به نام بعضی از شرکا و خانواده‌شان ثبت و صادر شده است". بند ۵۶ همان حکم. همچنین بنگرید به: بند ۴۵ بالا.

۱۲ - در قسمت ذیربط تبصره ۴ ماده ۲۰ قانون مالیاتهای مستقیم آمده است: "مال‌الاجاره از روی سند رسمی تعیین می‌شود و در صورتی که اجاره‌نامه رسمی وجود نداشته باشد یا از تسلیم سند یا رونوشت آن خودداری گردد براساس اجاره‌بهای املاک مشابه تقویم خواهد شد...".

۵۲ - آقای وقتی در تأیید شهادت خود یک "برگ نقل و انتقال" داخلی آفا به تاریخ ۱۵ آبانماه ۱۳۵۳ [ششم نوامبر ۱۹۷۴] عرضه نموده است. این سند ظاهراً نشان می‌دهد که در حوالی آن تاریخ حساب جاری شرکای آفا جمعا" به مبلغ ۱۰۷،۱۸۸،۸۲۹/- ریال به شرح زیر بدهکار شده است:

فرمانفرماتیان	۵۳،۵۹۴،۴۱۵/- ریال
مجد	" ۱۷،۱۵۰،۲۱۲/-
معاونی	" ۱۲،۸۶۲،۶۶۰/-
زوکر	" ۱۲،۸۶۲،۶۶۰/-
برنبام	" ۱۰،۷۱۸،۸۸۲/-
جمع	۱۰۷،۱۸۸،۸۲۹/- ریال

در تاریخ ثبت ارقام فوق‌الذکر، شرکای آفا منحصر به افراد یاد شده در بالا بودند. مضافاً، به نظر می‌رسد اختلافی در این مسئله وجود نداشته باشد که در تاریخ مذکور سهم‌الشرکه عبدالعزیز فرمانفرماتیان در آفا ۴ درصد، محمدرضا مجد ۶۶ درصد و سهم‌الشرکه خسرومعاونی، جوزف زوکر و هارولد برنبام هر یک ۱۰ درصد بود. آقایان غفاری، طبیب زاده و تسوجی بعداً" به شرکت مزبور پیوستند، بنگرید به: بند ۶ حکم برنبام.

۵۳ - آقای وقتی شهادت داده است که مبلغ ۱۰۷،۱۸۸،۸۲۹/- ریال مندرج در "برگ نقل و انتقال" داخلی مورخ ۱۵ آبانماه ۱۳۵۳ [ششم نوامبر ۱۹۷۴] آفا که در عین حال در نامه مورخ ۱۹ شهریورماه ۱۳۶۳ [دهم سپتامبر ۱۹۸۴] مدیر تصفیه آفا بدان اشاره شده، "ارتباطی به ساختمان مورد استفاده آفا ندارد". زیرا مبلغ مذکور به نسبت سهام شرکا در شرکت به بدهکار حسابهای جاری شرکا منظور نشد. به عنوان مثال، آقای وقتی می‌گوید با اینکه سهم‌الشرکه آقای فرمانفرماتیان ۴ درصد

بود، معیناً حساب جاری وی به میزان ۵۰ درصد مبلغ مندرج در سند هزینه بدهکار شد.

۵۴ - در فقد ادله دیگر، به نظر دیوان فرضیه آقای وقتی متقاعد کننده نیست. احتمال وجود بدهی بین شرکای آفا می‌تواند این مطلب را توجیه نماید که چرا قیمت خرید ساختمان به نسبت سهم‌الشرکه هر یک از شرکا در موسسه تسهیم نگردید.

۵۵ - هنگامی که "برگ نقل و انتقال" داخلی مورخ ۱۵ آبان‌ماه ۱۳۵۳ [ششم نوامبر ۱۹۷۴] آفا که مورد استناد آقای وقتی است، در پرتو این ملاحظات سنجیده می‌شود، معلوم می‌نماید که سند مزبور نه تنها نتیجه‌گیری دیوان را در پرونده برنجام رد نمی‌کند که ساختمان اداری آفا جزو دارایی‌های موسسه بوده، بلکه آن را تأیید نیز می‌نماید. نکته حائز اهمیت اینکه مدرک مزبور نشان می‌دهد که در نوامبر سال ۱۹۷۴ حسابهای جاری شرکای آفا کلاً به مبلغ ۱۰۷،۱۸۸،۸۲۹ ریال، یعنی دقیقاً به همان مبلغی بدهکار شده که مدیر تصفیه آفا در نامه مورخ ۱۹ شهریورماه ۱۳۶۳ [دهم سپتامبر ۱۹۸۴] خود به عنوان قیمت اصلی خرید ساختمان در سال ۱۳۵۳ [۱۹۷۴/۱۹۷۵] ذکر کرده بود. بنگرید به بند ۵۱ بالا. سند مزبور همچنین نشان می‌دهد که همگی شرکای آفا در آن زمان - و تنها همان شرکا - در معامله مورد بحث شرکت داشتند و لذا این نتیجه‌گیری را تحکیم می‌کند که سایر اشخاصی که نامشان در سند مالکیت سال ۱۳۵۳ ساختمان قید شده - - اشخاصی که در عداد شرکا نبوده‌اند - - درحقیقت سهمی بابت خرید ساختمان نپرداخته‌اند.

۵۶ - بنا به مجموع دلایل پیشگفته، دیوان تأیید می‌کند که ساختمان اداری واقع در پلاک ۲۸ خیابان تخت جمشید متعلق به آفا بوده است.

د - ارزش ساختمان اداری آفا در شماره ۲۸ خیابان تخت جمشید

۵۷ - در پرونده برنیام، دیوان ارزشیابی خود از ساختمان اداری آفا را بر قیمت خرید اصلی آن در سال ۱۳۵۳ [۱۹۷۴/۷۵] به شرح مندرج در نامه مورخ ۱۹ شهریورماه ۱۳۶۳ [دهم سپتامبر ۱۹۸۴] مدیر تصفیه آفا، یعنی مبلغ /- ۱۰۷،۱۸۸،۸۲۹ ریال استوار نمود. بنگرید به: بند ۵۱ بالا. دیوان این قیمت خرید را تعدیل اضافی کرد تا اثر تورم از تاریخ خرید تا تاریخ صادره در آن منظور شود و سپس آن را تعدیل نقصانی نمود تا آثار منفی انقلاب اسلامی بر بازار مستغلات تجاری در تهران در طول سال ۱۹۷۹ در آن منظور گردد. دیوان با نقل از نشریه 1989 International Financial Statistics 421 (که صندوق بین‌المللی پول منتشر می‌کند) خاطرنشان ساخت که "بین سالهای ۱۹۷۴ و ۱۹۷۹ شاخص هزینه کالاهای مصرفی در ایران ۴۰/۹ درصد افزایش یافت". پرونده برنیام بند ۶۳. دیوان پس از منظور کردن کاهش ارزش ساختمان اداری آفا در اثر انقلاب، چنین نظر داد که "براساس مدارک موجود و باتوجه به کلیه اوضاع و احوال پرونده حاضر، عادلانه و منطقی می‌یابد که ساختمان اداری آفا را مبلغ /- ۱۳۳،۹۸۶،۰۳۶ ریال، یعنی قیمت خرید آن در سال ۱۳۵۳ به اضافه بیست و پنج درصد ارزشیابی کند. بنگرید به: همان ماعخذ، بند ۶۴.

۵۸ - در جلسه استماع، هر دو طرف نتیجه‌گیری‌های دیوان را در پرونده برنیام راجع به ارزش ساختمان اداری مورد سؤال قرار دادند. خواهان اولاً ادعا کرد که دیوان آثار تورم در ایران در سالهای ۱۹۷۴ و ۱۹۷۹ را دست کم گرفته است و در اثبات آن، جدولی ارائه نمود که حسب ادعا نشانگر نرخ تورم سالانه در ایران در سالهای مذکور است و نتیجه‌گیری کرد که کل تورم در دوره مزبور ۱۸۹/۷۵ درصد بوده است. وکیل خواهان اظهار کرد که ارقام مندرج در جدول مزبور از مجله آمار

مالی بین‌المللی سال ۱۹۹۳ صندوق بین‌المللی پول استخراج شده‌اند. ثانياً خواهان استدلال کرد که کاهش ارزش بابت انقلاب اسلامی قابل توجیه نیست، زیرا آثار مزبور در هنگام تنظیم آمار مالی ملحوظ شده است. خواهان براساس اطلاعات مربوط به تورم که در جلسه استماع ارائه کرد، نتیجه گرفت که ساختمان اداری آفا در تاریخ مصادره مبلغ /۰۴۸،۰۳۹۰،۲۰۳ ریال ارزش داشته است.

۵۹ - خواهان مضافاً برای اولین بار اظهار داشت که آفا پس از خرید ساختمان مزبور در سال ۱۳۵۳، اصلاحات و تعمیرات زیادی در آن به عمل آورد که موجب افزایش ارزش ساختمان گردید.

۶۰ - برعکس، خواننده ادعا کرد که دیوان در پرونده برنبام ارزش ساختمان اداری آفا را بیش از واقع محاسبه کرده است. خواننده در وهله اول استدلال کرد که چون آقای برنبام هیچگاه درخواست نکرده بود که قیمت خرید ساختمان بابت تورم تعدیل گردد، تصمیم دیوان به انجام چنین تعدیلی روا نبوده است. در وهله دوم، خواننده اظهار نمود که دیوان تنزل شدید ارزش مستغلات در تهران در سال ۱۹۷۹ را بدون هیچ توجیهی مورد توجه قرار نداد. سرانجام، خواننده اظهارنظر کرد که صحیح آن بود که دیوان درصدی از قیمت اصلی خرید ساختمان را بابت استهلاك آن کسر می‌کرد. آقای وقتی شهادت داده است که ضریب استهلاك باید ۲۷ درصد قیمت مبنا باشد.

۶۱ - با تجزیه و تحلیل مدارک موجود، نظر دیوان این است که هیچیک از طرفین ادله یا استدلال تازه و کافی ارائه نکرده‌اند که دیوان را متقاعد کند که از نظر خود در پرونده برنبام راجع به ارزش عادلانه بازار ساختمان اداری آفا و زمین آن عدول نماید. به ویژه، هیچیک از استدلال‌ات ارائه شده از اهمیتی که دیوان برای اطلاعات مالی مبنای تصمیم خود در پرونده مذکور قایل شد نمی‌کاهد. در مورد

ادعای خواهان مبنی بر اینکه آفا تعمیرات و اصلاحاتی در ساختمان انجام داد که موجب افزایش ارزش آن شد، هیچگونه مدرکی حاکی از نوع و میزان این تعمیرات و نه حتی برآوردی از ارزش تعمیرات مذکور توسط خواهان ارائه نشده است.

۶۲ - باتوجه به مراتب پیشگفته، دیوان تایید می‌کند که ارزش ساختمان اداری آفا در تاریخ ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹] ۱۳۳،۹۸۶،۰۳۶/- ریال بوده است.

ه - وامهای شرکا

۶۳ - در پرونده برنبام، دیوان خاطرنشان نمود که در گزارش مالی سال ۱۳۵۸ تنظیم شده توسط ناظر مالی منصوب دولت در آفا (منبع "گزارش مالی سال ۱۳۵۸") که وضع مالی آفا در تاریخ ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹] در آن تشریح گردیده، بنگرید به: پرونده برنبام بندهای ۱۲ و ۵۱-۵۰، "مبلغ تعدیل شده‌ای بالغ بر ۱۰۶،۰۹۹،۸۴۴/- ریال به عنوان بدهی‌های شرکای آفا به آفا" در دارایی‌های آفا منظور شده است. همان ماعخذ، بند ۹۲. با آنکه آقای برنبام با نتایج مندرج در گزارش مالی سال ۱۳۵۸ موافق بود، لیکن دیوان برخلاف آن نظر داد که چون اغلب شرکای آفا تا تاریخ مصادره آن ایران را ترک کرده بودند، "در آن تاریخ آفا منطفا" نمی‌توانست امیدی به وصول این دیون داشته باشد". همان ماعخذ، بند ۹۵. براین اساس، دیوان نتیجه‌گیری کرد که این دیون شرکا نمی‌توانست "حقا" جزء دارایی‌های واقعی آفا منظور گردد" و بنابراین باید به عنوان دیون غیرقابل وصول از حسابها حذف شود. بنگرید به: همان ماعخذ.

۶۴ - دیوان بدهی آقای برنبام به آفا به مبلغ ۱۲،۹۴۴،۳۷۷/- ریال را که مورد قبول خود آقای برنبام بود مستثنی و بدین شرح استدلال کرد: "از آنجا که این بدهی باید از مبالغ متعلقه به [آقای برنبام] طبق حکم حاضر کسر شود...، غیرمنصفانه است

که آن را جزئی از دارایی های آفا به حساب نیاورد". همان ماعخذ، بند ۹۶.

۶۵ - در جلسه استماع، خواهان با تصمیم دیوان در پرونده برنجام راجع به وامهای شرکا مخالفت و ادعا کرد که اگر آفا مصادره نشده بود، شرکای آن به احتمال زیاد بدهی های خود را به موسسه بازپرداخت می کردند. خواهان به اصلی که در رویه دیوان و سایر مراجع کاملا" مسبوق به سابقه است اشاره کرد که نفس مصادره نباید به عنوان عامل منفی موثر در ارزش مال مصادره شده تلقی گردد. خواهان به موجب اصل مذکور نتیجه گیری کرد که این واقعیت که بدهی های مزبور به علت مصادره آفا غیرقابل وصول شدند حقا" نباید در اتخاذ تصمیم راجع به ملحوظ کردن آنها در ارزش آفا مورد توجه واقع شود.

۶۶ - بحثی نیست که اغلب شرکا قبل از مصادره آفا، به علت انقلاب اسلامی و تغییرات حاصله از آن در اوضاع کلی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور، ایران را ترک کرده بودند. بنابراین به نظر دیوان، انقلاب ایران بود و نه مصادره آفا، که موجب شد وامهایی که آفا به شرکا داده بود غیرقابل وصول گردد. باتوجه به این ملاحظات، استدلال خواهان مبنی براینکه غیرقابل وصول شدن وامها در اثر خود مصادره بوده محکوم به رد است. در نتیجه، دیوان مجددا" تأیید می نماید که وامهای شرکای آفا را حقا" نمی توان جزء ارزش آفا محسوب نمود.

۶۷ - خواهان مضافا" استدلال کرد که در هر صورت حتی اگر دیوان در تصمیم خود در پرونده برنجام راجع به وام شرکا تجدید نظر نکند، مبلغ ۵،۵۱۷،۰۷۱/ ریال بدهی مورد قبول خواهان به آفا باید جزء دارایی های آفا در این پرونده منظور گردد، چنانکه بدهی آقای برنجام در پرونده برنجام منظور شد. بنگرید به: بند ۶۴ بالا. علاوه براین، خواهان اظهار داشت که درست به همان علت که بدهی آقای برنجام در حکم آن پرونده به حساب آمد، آن مبلغ باید در این پرونده نیز به عنوان دارایی آفا به حساب آید.

۶۸ - در گزارش مالی سال ۱۳۵۸ نتیجه‌گیری شده است که وام‌های اعطایی آفا به خواهان به ۵،۵۱۷،۰۷۱/ ریال بالغ گردید. در اجرای اصلی که دیوان در پرونده برنجام اعلام نمود، بنگريد به: بند ۶۴ بالا، دیوان نظر می‌دهد که این بدهی باید در دارایی‌های آفا منظور گردد، همچنانکه بدهی آقای برنجام به مبلغ ۱۲،۹۴۴،۳۷۷/ ریال باید چنین شود. در رابطه با بدهی آقای برنجام، باتوجه به اینکه دیوان در آن پرونده بدهی آقای برنجام به آفا را از مبالغ متعلقه به وی به موجب آن حکم کسر کرد، بدهی مورد بحث در پرونده حاضر، در عمل، "وصول" شده و بنابراین منطقی نمی‌توان آن را به عنوان بدهی غیرقابل وصول در پرونده حاضر از حسابها حذف نمود.

و - حسابهای دریافتنی از بانک مرکزی، ونک پارک و تامز-آفا

۶۹ - در پرونده برنجام، خواهان ادعا کرده بود که مطالبات آفا در تاریخ سلب مالکیت، مبلغ ۱،۱۲۵،۳۵۷،۳۸۸/ ریال یعنی کل مبلغی بود که حسب اظهار آفا از بیست و دو کارفرمای خود طلب داشت. از طرف دیگر، خوانده به نوبه خود، ادعا کرده بود که در آن تاریخ، یازده کارفرمای آفا، مبلغ ۴۶۹،۵۴۶،۶۴۹/ ریال به آن بدهکار بوده‌اند. دیوان "فقط سه فقره حساب دریافتنی عمده مورد اختلاف طرفین را مفصلاً" مورد بحث قرار داد. همان ماعخذ، بند ۷۶، و مطالباتی را که مورد توافق طرفین بود در ارزشیابی منظور نمود. بنگريد به: همان ماعخذ، بند ۸۸، و با اجرای اصول کلی ارزشیابی که در بحث خود راجع به سه فقره مطالبات بطور خلاصه ذکر کرد و به کار برد، جمع ارزش بقیه مطالبات مورد اختلاف را مبلغ ۱۴۱،۰۴۰،۱۷۳/ ریال تعیین نمود. بنگريد به: همان ماعخذ. بر این اساس، دیوان نتیجه‌گیری کرد که ارزش ناخالص کل مطالبات آفا در ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹] مبلغ ۵۶۳،۹۹۱،۳۷۴/ ریال بوده است. بنگريد به: همان ماعخذ، بند ۸۹.

۷۰ - در جلسه استماع، خواهان از دیوان درخواست کرد که در تصمیم خود در پرونده برنبام مبنی بر منظور نکردن مطالبات از بانک مرکزی، ونک پارک و تامز-آفا در ارزش آفا تجدید نظر کند. دو فقره اول مطالبات مذکور جزء مطالبات مورد اختلاف بود که دیوان در پرونده برنبام مشخصاً آنها را مورد بحث قرار نداد. همچنانکه خواهان از حکم آن پرونده به درستی استنباط کرده، دیوان آن مطالبات را جزء دارایی های آفا محسوب نکرد.

۷۱ - در پرونده برنبام، دیوان مطالبات از تامز-آفا را مشخصاً بررسی و با نظر خوانده موافقت کرد که دیوان قبلاً در ارزشگذاری تامز-آفا در پرونده تیپتس، بدهی های تامز-آفا را به تامز و آفا منظور نموده بود. در نتیجه، دیوان نتیجه گیری کرد که "ارزش خالص آفا نمی تواند علاوه بر ارزش علائق آفا در تامز-آفا، شامل مطالبات از آن شرکت نیز باشد". همان ماعخذ، بند ۸۷.

۷۲ - خواهان در تأیید درخواست های خود برای تجدیدنظر در نتیجه گیری های دیوان در پرونده برنبام راجع به سه فقره مطالبات مورد بحث، نه ادله جدیدی ارائه و نه استدلال تازه ای اقامه کرده است. بنابراین، تحت این شرایط، مبنایی برای تجدید بررسی موضوعات مذکور توسط دیوان وجود ندارد و در نتیجه، درخواست های خواهان رد می شود.

ز - تاریخ مصادره آفا

۷۳ - چنانکه در بالا خاطر نشان گردید، بند ۲، دیوان در پرونده برنبام نظر داد که "خوانده در ژوئیه ۱۹۷۹ از طریق انتصاب مدیر موقت.... عملاً کنترل آفا را به دست گرفت". همان ماعخذ، بند ۳۱، و تاریخ مصادره آفا را روز ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹] یعنی تاریخی که مدیر دولتی عهده دار وظایف خود در موسسه شد تعیین نمود. بنگرید به: همان ماعخذ، بند ۳۲.

۷۴ - در جلسه استماع، خواننده از دیوان درخواست کرد که تاریخ مصادره آفا را از ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹] به دهم اسفندماه ۱۳۵۸ [اول مارس ۱۹۸۰] که دیوان در پرونده تیبیس به عنوان تاریخ مصادره تامز-آفا تعیین نموده تغییر دهد. بنگرید به : پرونده تیبیس، مذکور در بالا، بند ۱۰، 6 Iran-U.S. C.T.R. at 225. در تأیید این درخواست، خواننده این واقعیت را خاطرنشان کرد که سازمان برنامه و بودجه در تاریخ واحدی یعنی روز دوم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۴ ژوئیه ۱۹۷۹] آقای آزاد زرین نژاد را به عنوان مدیر موقت هر دو موسسه آفا و تامز-آفا تعیین نمود.

۷۵ - بدیهی است دیوان هنگام صدور رای در پرونده برنیام، از رای قبلی خود در پرونده تیبیس کاملاً آگاه بود. خواننده راجع به مساله تاریخ ضبط آفا نه ادله جدیدی ارائه کرده و نه استدلال جدیدی اقامه نموده است. تحت این شرایط، دیوان تأیید می‌کند که آفا در تاریخ ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹]، یعنی در تاریخی که مدیر دولتی عهده‌دار وظایف خود در موسسه شد، توسط خواننده مصادره گردید.

ح - بیش پرداختهای مالیاتی

۷۶ - در پرونده برنیام، دیوان از مبلغ ناخالص مطالبات آفا (پس از کاهش بابت حسابهای مورد اختلاف) "۵/۵ درصد بابت مالیات پیمانکار کسر کرد، زیرا طبق رویه معمول و براساس ماده ۷۶ قانون مالیاتهای مستقیم ایران، از هر فقره پرداخت کسر می‌گردید". دیوان این رقم کسر شده، یعنی مبلغ /-۲۹،۴۶۸،۵۴۹ ریال را به حساب کسور مالیاتی آفا و جزء دارایی‌های آن منظور نمود. همان ماعخذ، بند

۷۷ - براساس شهادت آقای وقتی در پرونده حاضر، خوانده ادعا می‌کند که در پرونده برنبام دیوان در منظور کردن ۵/۵ درصد مطالبات ناخالص آفا به حساب کسور مالیاتی آن موسسه دچار اشتباه شده است. آقای وقتی در شهادتنامه خود اظهار می‌دارد که طبق تبصره ۲ ماده ۷۹ قانون مالیاتهای مستقیم ایران ("قانون مالیاتهای مستقیم")، فقط ۱/۵ درصد درآمدهای هر پیمانکار را می‌توان به بستانکار حساب بدهی‌های مالیاتی آن پیمانکار منظور نمود، درحالیکه "معادل ۴ درصد از ۵/۵ درصد مالیات محاسبه شده غیرقابل برگشت و جزء هزینه‌های قطعی می‌باشد". بدین ترتیب، آقای وقتی ظاهراً "نتیجه‌گیری می‌کند که جمع کسورات کلا" معادل تنها ۱/۵ درصد ارزش ناخالص مطالبات آفا (پس از هرگونه کاهش بابت حسابهای مورد اختلاف) را حقا" می‌توان به عنوان دارایی آفا به حساب پیش‌پرداخت مالیاتی وی منظور نمود.

۷۸ - ماده ۷۶ قانون مالیاتهای مستقیم در بخش ذریبط مقرر می‌دارد که:

در مورد پیمانکاری... نسبت به هر نوع کار ساختمانی... و یا تهیه طرح ساختمانیها و تأسیسات... کارفرما... به طور کلی... مکلف است ظرف ۳۰ روز از تاریخ انعقاد قرارداد، و در هر پرداخت پنج و نیم درصد مبلغ پرداختی را کسر کند و منتهی ظرف ۳۰ روز به اداره دارایی محل بپردازد....

تبصره ۲ ماده ۷۹ قانون مالیاتهای مستقیم نیز به نوبه خود چنین مقرر می‌دارد:

یک و نیم درصد از مبلغ پرداختی به پیمانکار که به شرح ماده هفتاد و شش وسیله کارفرما کسر و به اداره دارایی محل پرداخت شده است در موقع احتساب مالیات مشمولین ماده مزبور از مالیات متعلق کسر خواهد شد.

۷۹ - مقررات مندرج در ماده ۷۶ قانون مالیاتهای مستقیم و تبصره ۲ ماده ۷۹ آن قانون روشن است و دیوان مقررات مزبور را در پرونده برنبام اعمال نموده است. چنانکه

هم ارنست اند یانگ، کارشناس مالی خواهان و هم آقای وقتی در پرونده برنیام شهادت دادند، رویه وزارت دارایی ایران در اجرای این مقررات این بوده که به طور معمول ۴ درصد دریافتی‌های پیمانکار را به برگ تشخیص نهایی می‌افزوده است. بدین ترتیب، وقتی ۵/۵ درصد مالیات تکلیفی از بدهی مالیاتی پیمانکار بابت مبلغ دریافتی کسر می‌شود، عملاً حساب وی ۱/۵ درصد بستانکار می‌گردد. دیوان در تعیین میزان ذخیره مالیاتی آفا در پرونده برنیام، از کلیه جهات از رویه مذکور تبعیت کرده، به استثنای دریافتی‌های آفا طی سال ۱۳۵۸. در نتیجه، برای محاسبه ذخیره مالیاتی آفا در پرونده حاضر، دیوان ۴ درصد دریافتی‌های آفا طی سال ۱۳۵۸ را منظور می‌کند، که بدین ترتیب، مبلغ ۳،۰۵۱،۲۰۴/- ریال بر بدهی مالیاتی آفا افزوده می‌شود.

ط - بدهی مالیاتی آفا

(۱) مالیات متعلقه بابت پرداخت پنهانی ادعایی از طرف تامر-آفا

۸۰ - در پرونده برنیام خواننده ادعا کرد که در سال ۱۳۵۷، شرکای آفا کلاً مبلغ ۱۴۱،۰۰۰،۰۰۰/- ریال به صورت کتمان شده از تامر-آفا دریافت کردند که مالیات بابت آن پرداخت نشده است. براین اساس، خواننده استدلال کرد که مبلغ مزبور باید در تعیین ذخیره مالیاتی آفا در تاریخ ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹] منظور شود. خواهان انکار کرد که شرکای آفا چنین درآمد پنهانی را دریافت کرده باشند. دیوان نظر داد که مدارک مورد استناد، هیچیک از اظهارات خواننده را ثابت نمی‌کند، بنگرید به: همان ماعخذ، بندهای ۲۴-۱۲۳ و در نتیجه، "ادعای خواننده را دایر بر اینکه شرکای آفا در سال ۱۳۵۷ به طور مخفی درآمدی از تامر-آفا تحصیل نموده و آن را به مقامات مالیاتی اعلام نکرده‌اند، فاقد دلیل دانسته، آن را رد" کرد. همان ماعخذ، بند ۱۲۵.

۸۱ - در جلسه استماع پرونده حاضر، خواننده بدون ارائه ادله یا استدلال تازه‌ای، ادعای خود را تکرار کرد که در سال ۱۳۵۷ شرکای آفا درآمد پنهانی از تامز-آفا دریافت نموده و مالیات آن را پرداخت نکردند. خواننده اظهار می‌دارد که به مدارک موید ادعای درآمد پنهانی دسترسی نداشته زیرا مدارک مزبور در دفتر آفا در آتن نگهداری می‌شد که خواهان مدیریت آنرا بر عهده داشت و در ادامه مطلب می‌گوید که خواهان در ژانویه ۱۹۷۹ دفتر مزبور را برچید، اما هیچ مدرکی را به دفتر آفا در تهران اعاده ننمود. بر آن اساس، خواننده از دیوان درخواست نموده است که نتیجه‌گیری حاصله در پرونده برنیام در باره موضوع درآمد پنهانی تامز-آفا را اصلاح نماید.

۸۲ - از آنجا که ادله یا استدلال جدیدی ارائه نشده، دلیلی وجود ندارد که دیوان موضوع پرداخت پنهانی تامز-آفا را دوباره رسیدگی کند. بنگردید به: بند ۷۲ بالا. در نتیجه، درخواست خواننده رد می‌شود.

(۲) مالیات بابت سالهای ۱۳۵۴ الی ۱۳۵۷

۸۳ - در پرونده برنیام، خواننده ادعا کرد که آفا مبلغ /۱۵،۱۵۲،۶۵۵ ریال بابت مالیات بر درآمد سالهای ۱۳۵۰ [مارس ۱۹۷۱ تا مارس ۱۹۷۲]، ۱۳۵۴ [مارس ۱۹۷۵ تا مارس ۱۹۷۶] و ۱۳۵۵ [مارس ۱۹۷۶ تا مارس ۱۹۷۷] بدهکار است. مبنای این ادعای خواننده، نامه مورخ ۱۱ آذرماه ۱۳۶۶ [دوم دسامبر ۱۹۸۷] "اداره کل مالیات بر شرکتها"ی وزارت دارایی و امور اقتصادی است که طی آن، بدهی مالیاتی که حسب ادعا در تاریخ ۳۰ اسفندماه ۱۳۶۸ [۲۰ مارس ۱۹۸۰] به عهده آفا بوده، اعلام شده است. خواننده همچنین چند "برگ تشخیص مالیات" آفا را که مقامات مالیاتی برای سالهای ۱۳۵۰، ۱۳۵۴ و ۱۳۵۵ صادر کرده‌اند مورد استناد قرار داده است. طبق مندرجات گزارش مالی سال ۱۳۵۸، مالیات بر درآمد آفا بابت سالهای قبل از ۱۳۵۶، تا تاریخ ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹] "تصفیه شده بود".

۸۴ - دیوان در پرونده پر نیام، ادعای خواننده بابت مالیاتهای معوقه را به علت فقد دلیل رد کرد، همان ماعخذ، بند ۱۰۷، و در حصول این نتیجه، خاطر نشان نمود که:

خواننده ادله کافی اقامه ننموده که ثابت نماید ناظر مالی منصوب دولت در آفا در گزارش مالی سال ۱۳۵۸ به غلط نتیجه گرفته است که در تاریخ ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹] مالیات بر درآمدی بابت سنوات قبل از ۱۳۵۶ بر عهده آفا نبوده است. نامه مورخ ۱۱ آذرماه ۱۳۶۶ [دوم دسامبر ۱۹۸۷] مدیرکل دفتر فنی مالیاتی را نمی‌توان فی‌نفسه دلیل کافی برای بدهی آفا بابت هرگونه مالیات بر درآمد تلقی کرد. نامه مزبور فاقد هرگونه مستند است و هیچگونه توضیحی نیز راجع به اساس محاسبات آن داده نشده است. [با اشاره به چند پرونده]. برگهای تشخیص مالیات آفا نیز که مورد استناد خواننده قرار گرفته‌اند دارای نقاط ضعف مشابهی می‌باشند. مضافاً در آنها ذکری از این موضوع به میان نیامده است که آفا احیاناً "مبالغی به مراجع مالیاتی پرداخت کرده است یا خیر.

همان ماعخذ، بند ۱۰۶.

۸۵ - خواننده در پرونده حاضر نیز تاکید می‌کند که آفا بابت سالهای ۱۳۵۴ و ۱۳۵۵ مالیات بر درآمد بدهکار است و ادعا می‌کند که علاوه بر آن، آفا برای درآمد سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ نیز بدهی مالیاتی دارد و در اثبات این اظهارات، به شهادت آقای وقتی یک کارشناس مالیاتی ایران اشاره می‌کند. آقای وقتی در شهادتنامه خود شهادت داده است که متعاقب انتصاب مدیر دولتی برای آفا در ژوئیه ۱۹۷۹ "حسابرسان دولتی به دفاتر و صورت هزینه‌های شرکت دسترسی یافتند و اطلاع حاصل کردند که بخشی از درآمد مشمول مالیات اعلام نشده است". وی ادامه می‌دهد که در نتیجه، مقامات مالیاتی چند برگ تشخیص مالیات صادر نموده و بابت این درآمد اعلام نشده مطالبه مالیات کردند. آقای وقتی در اثبات این نکته، شش برگ از این "برگهای نهایی تشخیص مالیات" را ارائه نمود که ظاهراً "بالغ بر حدود ۳۶،۰۰۰،۰۰۰/- ریال مالیات بر درآمد است. تاریخ این اسناد بین ژوئیه

۱۹۸۰ تا سپتامبر ۱۹۸۲ و شامل عملکرد آفا در سالهای ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۷ می باشد و علاوه بر این، ظاهراً" حکایت از این دارند که حسابرسی های دولتی که آقای وقتی بدانها اشاره نموده، در سالهای ۱۹۸۰، ۱۹۸۱ و ۱۹۸۲ انجام شده اند.

۸۶ - آقای وقتی براساس این شش "برگ نهایی تشخیص مالیات" که در بالا ذکر شده، و همچنین "گواهی اولیه که برای درآمد سال ۱۳۵۶ [۱۹۷۷-۷۸] صادر شد و در حساب پیش پرداخت مالیات منظور گردیده و به ضمیمه تسلیم می گردد... و همچنین با احتساب جرائم متعلقه که در برگهای تشخیص مربوطه به عنوان جرائم قطعی یاد شده" نتیجه می گیرد که آفا بابت مالیاتهای معوقه سالهای ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۷ جمعا" مبلغ ۹۹،۶۷۹،۴۵۵/- ریال بدهکار است.

۸۷ - خواننده هیچگونه سندی در تاعید شش "برگ نهایی تشخیص مالیات" تسلیمی آقای وقتی ارائه نکرده است. دیوان پیش از این نظر داده است که اینگونه اسناد فی نفسه دلیل کافی برای احراز بدهی مالیاتی آفا نیست. بنگرید به: حکم صادره در پرونده پرنیام بند ۱۰۶ و پرونده های نقل شده در آن. خواننده همچنین "گواهی اولیه" برای سال مالیاتی ۱۳۵۶ (۱۹۷۷-۷۸) را که آقای وقتی بدان استناد کرده اما آن را ارائه نداده، تسلیم نکرده است. بنگرید به: بند ۸۵ بالا. دیوان نظر می دهد که با توجه به این کمبودها، ادله خواننده با ضوابط اثباتی که دیوان در پرونده پرنیام برای اظهارات مربوط به مالیاتهای معوقه و درآمد پنهانی معین نموده، تطبیق نمی کند. بنگرید به: بند ۸۳ بالا.

۸۸ - صرف نظر از این موارد کمبود ادله، اظهارات فعلی خواننده راجع به مالیاتهای معوقه، باتوجه به مدارکی که خود وی در پرونده پرنیام ارائه کرده، قانع کننده نیست. چنانکه قبلاً" ذکر شده، در آن پرونده، خواننده نامه مورخ ۱۱ آذرماه ۱۳۶۶ [دوم دسامبر ۱۹۸۷] "اداره کل مالیات بر شرکتها" را ارائه نمود که کل بدهی

مالیاتی معوقه آفا در تاریخ ۳۰ اسفندماه ۱۳۶۸ [۲۰ مارس ۱۹۸۰] بابت عملکرد سالهای ۱۳۵۰ و ۱۳۵۴ الی ۱۳۵۸ در آن اعلام شده است. خواننده همچنین چند برگ تشخیص مالیاتی که توسط مقامات مالیاتی برای همان سالها صادر شده ارائه کرده است. دیوان نمی‌تواند مدارک مزبور را با شش "برگ نهایی تشخیص مالیات" که خواننده در پرونده حاضر ارائه نموده، تطبیق دهد.

۸۹ - بطور مشخص، هیچگونه اطلاعی در اختیار دیوان گذارده نشده تا دیوان بتواند مبالغ مالیاتی مندرج در مدارک تسلیمی خواننده در پرونده برنام را با مبالغ مندرج در شش برگ نهایی تشخیص مالیات که خواننده در پرونده حاضر تسلیم کرده، تطبیق دهد. باینکه هر دو دسته مدرک، حسب اظهار، مربوط به مالیات بر درآمد معوقه آفا برای سالهای ۱۳۵۴ الی ۱۳۵۷ است، این تطبیق غیرممکن است. در این رابطه، قابل ذکر است که تاریخهای مندرج روی شش "برگ نهایی تشخیص مالیات" که خواننده در پرونده حاضر تسلیم نموده، همگی چندین سال مقدم بر تاریخ ۱۱ آذرماه ۱۳۶۶ [دوم دسامبر ۱۹۸۷] مندرج در نامه "اداره کل مالیات بر شرکتها" است که در پرونده برنام تسلیم شده است. در نتیجه، تنها نتیجه‌گیری معقول این است که اداره کل مالیات بر شرکتها در هنگام تنظیم اظهاریه مورخ ۱۱ آذرماه ۱۳۶۶ [دوم دسامبر ۱۹۸۷] خود در باره مجموع بدهی‌های مالیاتی معوقه آفا برای سالهای ۱۳۵۴ الی ۱۳۵۷، همه آن شش برگ تشخیص را منظور کرده بوده است.

۹۰ - بنا به همه دلایلی که در بالا ذکر شد، دیوان ادعای خواننده را مبنی بر اینکه در تاریخ ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹] آفا هنوز مالیات بر درآمد بابت سالهای ۱۳۵۴ الی ۱۳۵۷ بدهکار بوده، فاقد دلیل دانسته، آن را رد می‌کند.

(۳) - درآمد مشمول مالیات

۹۱ - در پرونده برنیام طرفین توافق داشتند که ارزش پیش‌پرداختهای متعلقه آفا و ارزش ناخالص مطالبات آن از مشتریانش از لحاظ ارزشگذاری مشمول مالیات بر درآمد است، لیکن در باره میزان درآمد مشمول مالیات اختلاف نظر داشتند. خواهان آن پرونده استدلال می‌کرد که طبق مواد ۷۶ و ۷۹ قانون مالیاتهای مستقیم ایران، مالیات بر درآمد آفا باید به صورت "علی‌الرأس" تعیین می‌شود. این بدان معنی است که فقط هشت درصد دریافتی‌های ناخالص شرکت از قراردادهای طراحی و مهندسی مشمول مالیات است. در مقابل، خوانده ادعا می‌کرد که مالیات بر درآمد آفا باید براساس "سود واقعی" محاسبه شود. طبق این روش، کل درآمد خالص آفا مشمول مالیات می‌گردد. بنگرید به: همان ماعخذ. بندهای ۳۶-۱۳۳.

۹۲ - دیوان در پرونده برنیام ضروری ندانست مشخص کند که کدامیک از دو روش محاسبه مالیات، قاعده کلی برای تعیین مالیات بر درآمد حاصله از قراردادهای طراحی و مهندسی است. دیوان به این موضوع توجه نمود که خواننده هیچگونه مدرک مستندی از آن زمان تسلیم نکرده که ثابت نماید در سال ۱۳۵۸ [۲۱ مارس ۱۹۷۹ - ۲۰ مارس ۱۹۸۰] یعنی سال مصادره آفا، مالیات آفا براساس سود واقعی تعیین شده بوده است، با آنکه "برگ تشخیص مالیات آفا برای آن سال به انضمام کلیه مدارک موید آن در اختیار خواننده قرار داشته" است، همان ماعخذ، بند ۱۳۹. دیوان ملاحظه نمود که طرفین توافق داشتند که مالیات آفا از سال ۱۳۵۲ الی سال ۱۳۵۷ براساس ۸ درصد درآمد فرضی تعیین شده بود، همان ماعخذ، و در نتیجه، اعلام داشت که "تعیین مالیات آفا براساس سود واقعی در تاریخ مصادره موجه نیست". همان ماعخذ، و اضافه کرد که:

در هرحال، خواننده ادله کافی تسلیم نکرده تا براساس آن دیوان بتواند مالیات آفا را براساس سود واقعی محاسبه نماید.

همان ماعخذ. دیوان با توجه به جمیع دلایل بالا، مالیات بر درآمد آفا را در تاریخ مصادره براساس ۸ درصد دریافتی‌های ناخالص آن محاسبه نمود. بنگرید به: همان ماعخذ، بند ۱۴۰.

۹۳ - خواننده پرونده حاضر بر این عقیده است که دیوان در پرونده برنبام روش نادرستی جهت تعیین مالیات بر درآمد سال ۱۳۵۸ آفا به کار برد و بر این اساس، مصرانه از دیوان می‌خواهد که تصمیم خود را در آن پرونده راجع به این موضوع کنار گذارد و مالیات بر درآمد آن سال موسسه را براساس روش تعیین مالیات بر سود واقعی محاسبه نماید. خواننده در تاعید این درخواست به شهادت آقای وقتی استناد می‌کند. آقای وقتی شهادت داده است که طبق سیستم مالیاتی ایران، قاعده آن است که مالیات بر درآمد براساس سود واقعی تحصیل شده مودی تعیین گردد. وی اظهار می‌دارد که روش تعیین مالیات به صورت علی‌الراس فقط در موارد استثنایی که مشخصاً در قانون تعیین شده به کار می‌رود، از جمله در موردی که مودی صورتهای مالی شرکت را به مقامات مالیاتی تسلیم نکند یا آنکه مقامات مزبور دفاتر قانونی شرکت را به علت عدم مطابقت آنها با مقررات قانونی رد کنند. در این رابطه، آقای وقتی بیان می‌دارد که مالیات متعلقه آفا در سالهای ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ بدان علت به صورت علی‌الراس تعیین شد که موسسه مزبور صورتهای مالی خود را به مقامات مالیاتی تسلیم نکرده بود.

۹۴ - آقای وقتی تکرار می‌کند که در سال ۱۳۵۸ [۲۱] مارس ۱۹۷۹ - ۲۰ مارس ۱۹۸۰] مالیات آفا براساس سود واقعی تعیین شد و در اثبات این اظهار، "برگ نهایی تشخیص مالیات" آفا را که مقامات مالیاتی در تاریخ ۳۱ تیرماه ۱۳۶۰ [۲۲]

ژوئیه ۱۹۸۱] برای سال مالیاتی ۱۳۵۸ صادر کردند ارائه می‌نماید. آقای وقتی اظهار می‌دارد که برگ تشخیص مزبور ثابت می‌کند که مالیات آفا برای آن سال براساس سود واقعی تعیین گردید. آقای وقتی مدارک موید این برگ تشخیص را تسلیم نکرده است.

۹۵ - در پرونده برنیام، دیوان هنگام رد استدلال خواننده در ارتباط با روش سود واقعی، از جمله خاطر نشان نمود که خواننده هیچگونه ادله‌ای تسلیم نکرده تا براساس آن دیوان بتواند مالیات آفا را براساس سود واقعی محاسبه نماید. بنگرید به بند ۹۱ بالا. خواننده نتوانسته است با تسلیم هیچگونه ادله تازه‌ای در پرونده حاضر سوابق موجود درباره این موضوع را تکمیل نماید، حال آنکه به سوابق و مدارک مالی آفا دسترسی دارد. بدین ترتیب، خواننده یک مورد کمبود ادله اساسی و بسیار مهمی را که دیوان در پرونده برنیام مشخص نموده بود، رفع نکرده است. در نتیجه، برای تعیین سود واقعی آفا در پرونده حاضر، دیوان در وضعیتی بهتر از آن نیست که در پرونده برنیام بود. بنابراین، دیوان نیازی ندارد به این موضوع بپردازد که آیا برگ تشخیص مالیاتی سال ۱۳۵۸ که توسط آقای وقتی ارائه شده به تنهایی و بدون مدارک موید، دلیل کافی محسوب شده و ثابت می‌کند که مالیات بر درآمد آفا برای آن سال براساس سود واقعی تعیین شده بود یا خیر.

۹۶ - نظر به ملاحظات بالا، دیوان چنانکه در پرونده برنیام نظر داد، معتقد است که مالیات بر درآمد آفا در تاریخ مصادره باید براساس ۸ درصد دریافتی‌های ناخالص آن شرکت تعیین گردد.

۹۷ - آقای وقتی مضافاً اظهار می‌دارد که در مواردی که مودی مالیاتی از مقررات قانون مالیاتهای مستقیم ایران راجع به تسلیم صورتهای مالی شرکت به مقامات مالیاتی تخلف نماید و در نتیجه مقامات مزبور مبلغ مالیات بر درآمد را به صورت

علی‌الراس تعیین کنند، "تخلف از قانون مالیات، حسب مقررات ماده [۱۳۷] قانون مالیاتهای مستقیم] موجب محکومیت متخلف به پرداخت جریمه‌ای معادل ۵۰ درصد مالیات متعلقه می‌گردد". براساس این اظهار آقای وقتی، خوانده ظاهراً "استدلال می‌کند که اگر دیوان مالیات بر درآمد سال ۱۳۵۸ آفا را براساس علی‌الراس محاسبه کند، در آنصورت باید جریمه مقرر در ماده ۱۳۷ قانون مالیاتهای مستقیم را به آن بیافزاید. ماده مزبور به شرح زیر است:

نسبت به مودیانی که به موجب این قانون مکلف به داشتن دفتر هستند در مورد تسلیم ترازنامه و حساب سود و زیان یا عدم ارائه دفاتر، جریمه تخلف عبارت از پنجاه درصد مالیات، درمورد رد دفتر، جریمه تخلف عبارت از بیست درصد مالیات خواهد بود.

۹۸ - برگهای تشخیص مالیات که خوانده ارائه نموده حاکی از آن است که وقتی که مقامات مالیاتی مالیات بر درآمد آفا را بابت سنوات قبل از ۱۳۵۸ به صورت علی‌الراس تعیین کردند، بدون استثنا جریمه یا مالیات اضافی معادل ۲۵ درصد از ۵۰ درصد مالیات متعلقه، بر میزان مالیات بر درآمد تشخیصی افزودند. این مبلغ گرچه عنوان "جریمه" دارد، اما چنین به نظر می‌رسد که این قلم از تبعات تشخیص مالیات به صورت علی‌الراس است، زیرا مقامات مالیاتی در محاسبه مالیات بر آن مینا این قلم را به طور معمول می‌افزایند. از آنجا که دیوان مالیات بر درآمد آفا بابت سال ۱۳۵۸ را به صورت علی‌الراس محاسبه کرد، با توجه به رویه مقامات مالیاتی، انصاف حکم می‌کند که مبلغ مالیات اضافی، یعنی ۲۵ درصد از ۵۰ درصد مالیات بر درآمد آفا نیز که به ۲،۷۸۷،۸۴۰/۰ ریال بالغ می‌شود به کل بدهی مالیاتی آفا افزوده گردد و دیوان به همین منوال نیز تصمیم می‌گیرد. گرچه دیوان معمولاً "جرائم مقرر طبق قوانین مالیاتی را اعمال نمی‌کند، معبداً رویه پیوسته مقامات مالیاتی ایران که برگهای تشخیص مالیات موجود در پرونده دلالت بر آن دارد، منظور کردن مبلغ مزبور را در ارزشیابی آفا توجیه می‌کند.

ی - نتایج

(۱) مسئولیت

۹۹ - دیوان براساس یافته‌های خود در بندهای ۳۶-۴ حکم صادره در پرونده برنیام، و نیز یافته‌های خود در حکم حاضر، بند ۷۵ بالا، نظر می‌دهد که خوانده در تاریخ ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹] یعنی در تاریخی که مدیر منصوب دولت وظایف خود را در آفا بر عهده گرفت، خواهان را از ۸/۶ درصد علائق مالکانه‌اش در آن موسسه محروم نموده است.

(۲) ضابطه پرداخت غرامت

۱۰۰ - دیوان در پرونده حاضر، مانند پرونده شماره ۲۹۸، جیمز ام. سقیع و دیگران و جمهوری اسلامی ایران و پرونده شماره ۱۷۸، فیث لینا خسروشاهی و دیگران و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، ضابطه غرامت مقرر در عهدنامه مودت (۱۳) را به کار می‌برد بدون آنکه تعیین کند که آیا ضابطه مزبور در مورد دعاوی افراد دارنده

۱۳ - عهدنامه مودت، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین ایالات متحده آمریکا و ایران، در تاریخ ۲۴ مردادماه ۱۳۳۴ [۱۵ اوت ۱۹۵۵] امضاء شده و در تاریخ ۲۶ خردادماه ۱۳۳۶ [۱۶ ژوئن ۱۹۵۷] به مرحله اجرا در آمد.
284 U.N.T.S. 93, T.I.A.S. No. 3853, 8 U.S.T. 900.
دیوان قبلاً نظر داده است که عهدنامه مودت در تاریخ ایجاد ادعای مطروحه در پرونده حاضر مجرای بوده است. به عنوان مثال بنگرید به: فلیس داج و دیگران و جمهوری اسلامی ایران، بند ۲۷ حکم شماره ۲-۹۹-۲۱۷، مورخ ۲۸ اسفندماه ۱۳۶۴ [۱۹ مارس ۱۹۸۶]، چاپ شده در 10 Iran-U.S. C.T.R. 121, 131-32.

تابعیت مضاعف که تابعیت غالب و موثر آنان در دوره ذیربط به موجب تصمیم صادره در پرونده الف - ۱۸ حسب مورد، تابعیت ایالات متحده بوده است یا تابعیت ایران قابل اعمال است یا خیر. بنگرید به: پرونده جیمز ام. سقیع و دیگران و جمهوری اسلامی ایران، بند ۷۹ حکم شماره ۲-۲۹۸-۵۴۴ مورخ دوم بهمن ماه ۱۳۷۱ [۲۲ ژانویه ۱۹۹۳]. فیث لیتا خسروشاهی و دیگران و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، بند ۳۴ حکم شماره ۲-۱۷۸-۵۵۸ مورخ نهم تیرماه ۱۳۷۳ [۳۰ ژوئن ۱۹۹۴]. در هیچیک از پرونده‌های مذکور، و از جمله در پرونده حاضر، طرفین این موضوع را مطرح نکرده و آن را مورد استدلال قرار نداده‌اند.

(۳) ارزش علایق مالکانه خواهان

۱۰۱- براساس نتایج حاصله در بندهای ۱۴۹-۳۷ پرونده برنهام، (و تصحیح آن طی اصلاحیه حکم شماره ۲-۹۶۷-۵۴۹ مورخ ۲۸ تیرماه ۱۳۷۲ [۱۹ ژوئیه ۱۹۹۳]) و نیز براساس نتایج حاصله در حکم حاضر، دیوان نظر می‌دهد که از لحاظ پرونده حاضر، ارزش آفا به عنوان یک شرکت منحل در تاریخ ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹] مبلغ /۹۷۶،۵۳۹،۰۷۱ ریال است. مبلغ مزبور ارزشی است که آفا طبق نظر دیوان در پرونده برنهام در تاریخ انحلال داشته، یعنی /۹۷۶،۸۶۱،۰۴۴ ریال، همان ماعخذ، بند ۱۴۳، به علاوه ارزش بدهی مورد قبول خواهان به آفا، یعنی /۵،۵۱۷،۰۷۱ ریال، بنگرید به: بند ۶۸ بالا، منهای ۴ درصد دریافتی‌های آفا طی سال ۱۳۵۸، یعنی /۳،۰۵۱،۲۰۴ ریال، بنگرید به: بند ۷۹ بالا و منهای /۲،۷۸۷،۸۴۰ ریال مالیات اضافی متعلقه به مالیات بر درآمد آفا، بنگرید به: بند ۹۸ بالا. بدین ترتیب، ارزش ناخالص ۸/۶ درصد علایق مالکانه خواهان، مبلغ /۸۳،۹۸۲،۳۶۰ ریال می‌باشد.

۱۰۲ - به همان دلایلی که در بند ۱۴۴ در پرونده برنیام ذکر شد، دیوان ارزش خالص سهم خواهان در آفا را با تفریق مبلغ ۵،۵۱۷،۰۷۱/- ریال وام پرداختی موسسه به خواهان، از علایق مالکانه ناخالص خواهان، به دست می آورد. همچنین بنگريد به: بندهای ۶۴ و ۶۸ بالا بر این اساس، ارزش خالص سهم خواهان در آفا مبلغ ۷۸،۴۶۵،۲۸۹/- ریال می باشد.

ک - اخطار مندرج در تصمیم پرونده شماره الف ۱۸

۱۰۳ - خوانده استدلال می کند که اخطار مندرج در تصمیم پرونده الف ۱۸ مانع از آن است که خواهان بتواند بابت سلب مالکیت از علایق مالکانه خود در آفا از این دیوان به نفع خود حکم تحصیل کند زیرا وی در موقع تحصیل علایق مالکانه خود به عنوان یک ایرانی عمل کرد و نه به عنوان یک آمریکایی. خوانده مشخصاً اظهار می کند که خواهان [در ایران] منافع را تحصیل کرده است که بهیچوجه با تابعیت آمریکایی قادر به انجام آن نبوده و بهیچوجه نمی توانست به عنوان یک تبعه آمریکا از آن استفاده نماید". خوانده خاطر نشان می نماید که خواهان به عنوان یک تبعه خارجی، طبق قوانین ایران ملزم بود که برای ورود به ایران ویزا و برای اقامت در آن کشور اجازه اقامت و برای اشتغال در آفا اجازه کار بگیرد. خوانده اظهار می دارد که خواهان هیچیک از این مقررات را رعایت نکرد و بدین ترتیب، ورود و اقامت و فعالیت حرفه ای وی در ایران همه برخلاف مقررات قوانین ایران بوده است. خوانده نتیجه گیری می کند که چون حضور و اشتغال خواهان در ایران غیرقانونی بوده، "تحصیل حقوق مورد ادعا در این پرونده جنبه غیرقانونی و نامشروع پیدا خواهد کرد"، و این امر مانع آن است که خواهان بتواند دعوای خود را در محضر این دیوان اقامه نماید.

۱۰۴ - خوانده مضافاً ادعا می کند که ادعای خواهان قابل اقامه نیست زیرا مربوط به

مزایایی است که وی با استفاده از تابعیت ایرانی خویش آن را تحصیل کرده و نه با استفاده از تابعیت آمریکایی خود.

۱۰۵ - خواهان انکار می‌کند که در سر و کار با مقامات ایرانی در دوره ذیربط در این پرونده تعمداً "تابعیت دوگانه خود را پنهان یا به نحوی از آن سوء استفاده کرده باشد، و مضافاً ادعا می‌کند که ادعای وی در ارتباط با مزایایی نیست که مختص اتباع ایران بوده باشد. برعکس، خواهان ادعا می‌کند که حقوق متنازع‌فیه در پرونده حاضر قانوناً قابل تحصیل توسط اتباع خارجی بوده - و در واقع نیز - توسط خارجیان تحصیل شده است. بدین ترتیب، وی نتیجه‌گیری می‌کند که اخطار [پرونده الف ۱۸] نمی‌تواند مانع اقامه ادعای وی شود.

۱۰۶ - دیوان در تصمیم خود در پرونده الف ۱۸ نظر داد که "در پرونده‌هایی که دیوان براساس تابعیت غالب و موثر خواهان به صلاحیت خود راعی می‌دهد، تابعیت دیگر خواهان می‌تواند از لحاظ ماهیت دعوی همچنان ذیربط و معتبر بماند".
پرونده الف - ۱۸، صفحه ۲۰، Iran-U.S. C.T.R. at 265-66. 5. دیوان در قرار اعدادی خود که در پرونده شماره ۳۱۶ صادر کرد چنین نظر داد:

اظهارنظر صلاحیتی حاضر درمورد تابعیت غالب و موثر خواهانها، موکول به شرطی است که دیوان عمومی در تصمیم متخذه در پرونده الف - ۱۸ فوق افزوده... بنابراین دیوان در ادامه رسیدگی‌های خود، کلیه اوضاع و احوال پرونده حاضر را باتوجه به این شرط نیز بررسی خواهد کرد و، به عنوان مثال، در نظر خواهد گرفت که آیا خواهانها از تابعیت ایرانی خود برای کسب مزایایی که به موجب قوانین ایران مخصوص اتباع ایران است، استفاده کرده‌اند [یا خیر]، و یا اینکه نحوه رفتارشان چنان بوده که ایجاب کند در پرونده حاضر حکمی به نفع آنها داده نشود.

ادگار پروتوا و دیگران، و جمهوری اسلامی ایران، بند ۱۸ قرار

اعدادی شماره ۲-۳۱۶-۷۳ مورخ ۲۰ مهرماه ۱۳۶۷ [۱۲ اکتبر ۱۹۸۸]،

چاپ شده در 23 Iran-U.S. C.T.R. 259,263

۱۰۷ - دیوان در حکم خود در پرونده جیمز ام. سقیع و دیگران، مذکور در بالا، چنین نظر داد:

منظور از درج اخطار مذکور آشکارا شمول آن در مواردی است که افراد دارنده تابعیت مضاعف منافعی را مطالبه کنند که به موجب قوانین ذیربط و جاری ایران مختص افرادی است که فقط تابعیت ایرانی دارند. با اینحال... حتی در مواقعی که ادعای فرد دارنده تابعیت مضاعف مربوط به منافعی است که به موجب قانون مختص اتباع ایران نیست، و ادله موجود نیز این نتیجه‌گیری را لازم آورد که فرد دارنده تابعیت مضاعف از تابعیت مضاعف خود به گونه‌ای استفاده کرده که نباید اجازه وصول خواسته وی داده شود، دیوان باز می‌تواند اخطار مذکور را اعمال نماید.

جیمز ام. سقیع و دیگران، مذکور در بالا، بند ۵۴.

۱۰۸ - دیوان معتقد است که حق تحصیل و حفظ علایق مالکانه در موسساتی مانند آفا مزیتی نیست که طبق قوانین ذیربط و جاری ایران مختص اتباع ایران باشد. و این واقعیت که هارولد برنهام، تبعه آمریکا، و جوزف زوکر، تبعه اتریش، به ترتیب ۸/۶ و ۱۰/۳۲ درصد سهام آفا را در دست داشتند، بنگرید به : پرونده برنهام، بند ۶، نظر دیوان را تایید می‌کند.

۱۰۹ - به علاوه، خواننده نتوانسته است ثابت کند که خواهان هنگامی که شریک موسسه شد تابعیت مضاعف خود را کتمان و یا به نحوی از آن سوء استفاده کرد که نباید به وی اجازه وصول خواسته دعوایش را داد.

۱۱۰ - در پرتو ملاحظات فوق‌الذکر، دیوان نتیجه می‌گیرد که دلیل و مدرکی وجود ندارد که

نشان دهد خواهان مزایایی بدست آورده که قانوناً مختص اتباع ایران بوده، یا اینکه رفتار وی به هر نحو دیگری چنان بوده که عدم صدور حکم به نفع وی راجع به ادعای حاضر را توجیه کند. براین اساس، اخطار الف ۱۸ مانع اقامه ادعای خواهان نمی‌گردد.

ل - حکم

۱۱۱ - براساس مراتب بالا، و پس از بررسی جامع و کامل کلیه ادله و استدلالات طرفین، دیوان نظر می‌دهد که خواهان استحقاق دارد مبلغ /۲۸۹،۴۶۵،۷۸ ریال به عنوان غرامت سلب مالکیت از ۸/۶ درصد علاقه مالکانه‌اش در آفا دریافت نماید. مبلغ مزبور پس از تبدیل به دلار آمریکا با نرخ ۷۰/۴۷۵ ریال = یک دلار، معادل /۳۷۸،۱۱۳ دلار آمریکا می‌شود. نرخ مزبور، نرخ رایج در سرتاسر سال ۱۹۷۹ بود. بنگرید به: پترولین، اینکوریپتید و دیگران و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، بند ۱۴۷ حکم شماره ۱۳۱-۲-۵۱۸ مورخ ۲۳ مردادماه ۱۳۷۰ [۱۴ اوت ۱۹۹۱]، چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. 64, 115. 27. بنابراین دیوان حکمی به مبلغ /۳۷۸،۱۱۳ دلار به نفع خواهان صادر می‌نماید.

چهارم - بهره

۱۱۲ - به منظور جبران زیان‌هایی که خواهان به لحاظ تاخیر در پرداخت متحمل گردیده، دیوان عادلانه می‌داند که حکم بهره‌ای به نرخ ۸ درصد در سال از تاریخ سلب مالکیت، یعنی از ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹] به نفع وی صادر نماید.

پنجم - هزینه‌های داوری

۱۱۳ - هر یک از طرفین هزینه‌های داوری مربوط به خود را تقبل خواهد کرد.

ششم - حکم

۱۱۴ - بنا به دلایل پیشگفته،

دیوان حکمی به شرح زیر صادر می‌نماید:

(الف) خواننده، جمهوری اسلامی ایران، مکلف است مبلغ یک میلیون و یکصد و سیزده هزار و سیصد و هفتاد و هشت دلار آمریکا (۱،۱۱۳،۳۷۸/۰ دلار) به علاوه بهره ساده به نرخ ۸ درصد در سال (برمبنای ۳۶۵ روز) از تاریخ ششم مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹] تا تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت مبلغ را از حساب تضمینی به بانک امین می‌دهد، به خواهان، فریدون غفاری، بپردازد.

(ب) تعهد مزبور با پرداخت از حساب تضمینی مفتوح به موجب بند ۷ بیانیه مورخ ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] دولت جمهوری دمکراتیک و مردمی جمهوری الجزایر ایفا خواهد شد.

(ج) هر یک از طرفین باید هزینه‌های داوری مربوط به خود را تقبل نماید.

(د) بدینوسیله حکم حاضر برای ابلاغ به کارگزار امانی به رئیس دیوان تسلیم
می شود.

لاهور، به تاریخ ۱۶ تیر ۱۳۷۴ برابر با ۷ ژوئیه ۱۹۹۵

Kristof Askevich

کریستوف اسکویشفسکی
رئیس شعبه دو

به نام خدا

Korshchin

کورش حسین عاملی
نظریه مخالف

George H. Aldrich

جرج اچ. آلدریج